نسیم جنوب
nasimjonoub.com
سال شانزدهم - شماره ۷۲۵- یک شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۲ -۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



گنجینه بی مثال دنیا در بوشهر، هدر نرود

معارفه مهندس فروزانی به عنوان مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر

صفحه۸



امیرکبیر بوشهر بر فراز آسمان ایران

صفحه۲



ویژه نامه بررسی پیش‌نویس «منشور حقوق شهروندی»
در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
در صفحات ۳، ۴، ۵، ۶

منشور حقوق شهروندی؛ نهادینه شدن مبارزه با ناحقی



یادی از شهدای انقلاب اسلامی استان بوشهر

صفحه۸

اطلاعیه ثبت نام پانزدهمین دوره مسابقات ملی مهارت

آغاز ثبت نام پانزدهمین دوره مسابقات ملی مهارت از یکم لغایت یازدهم بهمن ماه و ۲۶بهمن ماه لغایت ۱۵ اسفندماه در وب سایت http://advari.irantvto.ir و تحویل مدارک لازم به مراکز آموزش فنی وحرفه ای استان :(۴قطعه عکس ۴*۳ تمام رخ - کپی شناسنامه از تمام صفحات- کپی کارت ملی- فتوکپی کارت پایان خدمت یا معافیت نظام وظیفه برای داوطلبان ذکور- ارائه گواهی اشتغال به تحصیل برای دانشجویان)

شرایط سنی رقابت کنندگان: رشته های ساخت و تولید تیمی و مکاترونیک متولدین ۱۳۶۸/۱۰/۱۱ به بعد و برای سایر رشته ها ۱۳۷۱/۱۰/۱۱

رشته ها: ساخت وتولید (تیمی۳ نفره)- مکاترونیک (تیمی ۲ نفره)-،طراحی مهندسی مکانیک-تراش CNC-فرز CNC- فناوری اطلاعات-راه کارهای نرم افزاری برای تجارت-جوشکاری-کاشیکاری دیوار و کف- صافکاری خودرو- لوله کشی و گرمایشی- الکترونیک- طراحی وب- تاسیسات الکتریکی- کنترل صنعتی- مدیریت آب و فاضلاب- آجرچینی- رباتیک (تیمی ۲ نفره)- کابینت سازی (چوبی)- اتصالات چوبی-جواهر سازی- خیاطی (فناوری مد)- قنادی (شیرینی پزی)- فناوری اتومبیل- آشپزی- نقاشی خودرو-طراحی فضای سبز(تیمی ۲ نفره)- تبرید و تهویه- فناوری اطلاعات - مدیریت سیستم های تحت شبکه- فناوری طراحی گرافیک و گل آرایی

تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مسابقات ملی مهارت: اعطای مدال، لوح تقدیر، استفاده از برگزیدگان به عنوان مربیان آموزشی، معرفی به بنیاد ملی نخبگان و سایر حمایتهای مادی و معنوی برای جذب، حفظ و نگهداری آنها به عنوان نخبگان مهارتی کشور

«روابط عمومی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان بوشهر» (شماره ۲۳۹۸ م الف)



دهه فجر، مظهر شکوه و عظمت و فداکاری ملت ایران مبارک باد.
«اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندر بوشهر»

مهلت ارسال صورت معاملات چهار فصل ۱۳۹۱ و سه فصل اول سال ۱۳۹۲، به صورت الکترونیکی یا لوح فشرده تا پایان سال ۱۳۹۲ تمدید شد.

فروشندگان فرش ماشینی، تابلو فرش، موکت و قالیچه ماشینی آیا می دانید از ابتدای سال ۱۳۹۳، ملزم به استفاده از سامانه صندوق فروش هستید؟

تولیدکنندگان و فروشندگان مبل، مصنوعات چوبی و فلزی و غیرفلزی اعم از اداری و خانگی، آیا می دانید از ابتدای سال ۱۳۹۳ ملزم به استفاده از سامانه صندوق فروش هستید؟

«روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی استان بوشهر»

نسیم جنوب

۲

خبر

شماره ۷۲۵- یک شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۲

NASIM JANOUB

امیرکبیر بوشهر بر فراز آسمان ایران



photo : Hossein Zohrevand

با حضور عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی، مراسم تودیع و معارفه رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت فرودگاه‌های کشور برگزار شد.

به‌گزارش روابط‌عمومی شرکت فرودگاه‌های کشور؛ در این مراسم؛ علی‌محمد نوریان قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در امور هوانوردی و هواشناسی، معاونین وزیر، علیرضا جهانگیریان رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، مدیران عامل شرکت‌های هواپیمایی، اعضای هیات مدیره، معاونین و مدیران‌عامل سابق شرکت فرودگاه‌ها، فرمانده پلیس فرودگاه‌ها و جمعی از مدیران فرودگاه‌ها و کارکنان شرکت فرودگاه‌ها حضور داشتند.

در این مراسم اسماعیل تبادار از سوی وزیر راه و شهرسازی به عنوان رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت فرودگاه‌ها منصوب و از زحمات ۳۰ ساله محمود رسولی‌نژاد قدردانی شد.

انگیزه تغییرات تبادل نخبگان و حضور اندیشه‌های جدید است

وزیر راه و شهرسازی در این مراسم تبادل نخبگان و حضور اندیشه‌های جدید را انگیزه اصلی برای تودیع و معارفه دانست و اظهار داشت: به یقین از تجربیات مدیرعامل پیشین استفاده خواهد شد.

وزیر راه‌وشهرسازی با تاکید بر رفاه، امنیت و ایمنی شهروندان در فرودگاه‌ها؛ خواستار بازنگری در فرآیند اجرای امور در فرودگاه‌ها شد.

آخوندی از فرودگاه به‌عنوان پیشانی کشورها یاد کرد و گفت در همه دنیا تلاش می‌شود تا فرودگاه‌ها فضای باشکوه و شایسته‌یی داشته باشند و در ایران نیز دست‌اندرکاران در مقاطع مختلف تلاش‌های بسیاری را متقبل شده‌اند.

وی همچنین رفاه، امنیت و ایمنی شهروندان در فرودگاه‌ها را مورد تاکید قرار داد.

وزیر راه و شهرسازی همکاری بین بخش‌های مختلف حمل‌ونقلی را در ایجاد یک سیستم حمل‌ونقل ترکیبی خواستار شد.

در این مراسم همچنین محمود رسولی‌نژاد مدیرعامل سابق شرکت فرودگاه‌های کشور گفت: فرودگاه نقش مهمی در رونق اقتصادی و گردشگری، رشد GDP و جذب سرمایه‌گذار و رشد و تعالی منطقه دارد و به یقین غفلت از آن آثار سوئی به‌همراه خواهد داشت.

رسولی‌نژاد ضمن تاکید بر مقوله آموزش نیروی انسانی اظهار داشت: شرکت فرودگاه‌ها با ۸۰۰ هزار نفر ساعت در سال بیشترین ساعت آموزشی کارکنان را در حوزه وزارت راه‌و شهرسازی به‌خود اختصاص داده است.

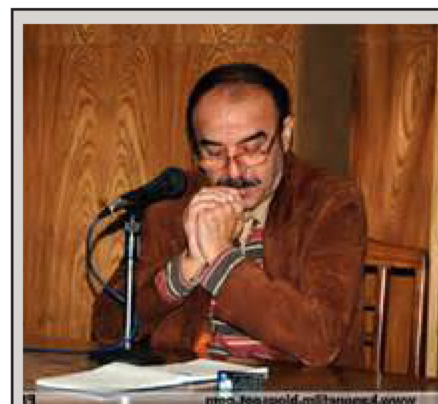
ایمنی محوری‌ترین مقوله است

در ادامه نیز اسماعیل تبادار مدیرعامل جدید شرکت فرودگاه‌های کشور با بیان اینکه در صنعت دقیق حمل‌ونقل هوایی ایمنی محوری‌ترین مقوله است از آن به‌عنوان عنصر اصلی و اساسی یاد کرد که باید با برنامه‌ریزی مناسب و تخصیص اعتبارات لازم برای تامین تجهیزات استاندارد، در جهت ارتقای آن حرکت کرد.

وی اولین قدم خود در شرکت فرودگاه‌ها را تشکیل کارگروهی برای وارسی فرودگاه مهرآباد برای سامان‌بخشی به آن عنوان کرد.

تبادار همچنین بر بهره‌گیری از مشورت و کار جمعی تاکید کرد و با بیان اینکه اکثر فرودگاه‌های کشور اقتصادی نیست، افزود: جذب سرمایه‌گذاران متخصص و حرفه‌یی در این عرصه را با جدیت دنبال می‌کنم.

گفتنی است؛ این مراسم با اهدای لوح تقدیر به مدیرعامل سابق و حکم به مدیرعامل جدید خاتمه یافت.



طلسم ۱۸ ساله تئاتر بوشهر می‌شکند با اجرای نمایشی از استاد آرام

محقق و پژوهشگر تئاتر استان بوشهر گفت: بعد از ۱۸ سال نمایشنامه‌ای از احمد آرام در بوشهر روی صحنه می‌رود و با این کار طلسم ۱۸ ساله آثار این هنرمند در بوشهر می‌شکند.

جهانشیر یاراحمدی در گفت‌وگو با فارس بیان کرد: دوازدهم بهمن ماه امسال طلسم هجده ساله‌ای در تئاتر بوشهر می‌شکند، احمد آرام که این روزها به عنوان یک داستان‌نویس برجسته در عرصه ملی او را می‌شناسند تا همین ۱۰ سال پیش عمده فعالیت‌های هنری‌اش نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی و طراحی گرافیک بود.

وی بیان کرد: آرام پس از هجرت از بوشهر روی داستان‌نویسی تمرکز کرد و در همین یک دهه آن چنان درخشان ظاهر شد که سایر فعالیت‌های ادبی هنری‌اش را در سایه قرار داد. یاراحمدی افزود: آخرین نمایشی که از آرام در بوشهر روی صحنه رفت «صفدر و صفورا....» نام داشت که در سال ۱۳۷۴ در دانشکده تحصیلات تکمیلی فعلی اجرا شد که از آن اجرا تا امروز هجده سال می‌گذرد. این هنرمند برجسته بوشهری تصریح کرد: البته در سال‌های نخستین دهه هشتاد او نمایش «تخم مرغ فلزی» را به عنوان کار برگزیده جشنواره فارس در جشنواره تئاتر منطقه‌ای بوشهر روی صحنه برد که البته تعداد انگشت‌شماری از بوشهری‌ها موفق شدند آن نمایش را ببینند. محقق و پژوهشگری عرصه تئاتر خاطرنشان کرد: به هر ترتیب از روز دوازدهم بهمن ماه گروه تئاتر خاک در پلاتو استاد صغیری با اجرای نمایش این یارو آنتیگونه به این طلسم پایان می‌بخشد، این نمایش هر روز و تا سی‌ام بهمن ماه ساعت ۱۹ در مکان یاد شده اجرا خواهد شد.

کنگانی ، مشاور ارشد استاندار بوشهر:

برگزاری هفته ی فرهنگ و هنر دیر در تهران ، یک موفقیت چشمگیر برای هنر و هنرمندان در سطح استان بوشهر بود



مشاور ارشد استاندار بوشهرگفت: اگر بهای لازم به آثار هنرمندان داده شود و ارزش واقعی کار آن ها را درک کنیم حداقل نتیجه ی کوتاه مدت آن که اتفاقا بسیار مهم و حیاتی است ؛ پیشگیری از هدررفت اعتبارات و بودجه های مربوطه و مهم تر سرمایه های معنوی یک جامعه است که نمی گذارد کار به درمان های سخت و صعب العلاج کشیده شود!

مهندس حسینی کنگانی ، مشاور ارشد استاندار بوشهر در حاشیه مراسم اختتامیه ی هفته ی فرهنگ و هنر شهرستان دیر که در فرهنگسرای ابن سینای تهران برگزار شد به خبرنگار نسیم جنوب گفت: باید به خاطر داشته باشیم که پهنه ی فرهنگ و هنر آن قدر گسترده ، متنوع و جهانشمول است که نمی توان و نباید با اعمال محدودیت های ساختگی ، راه را بر مسیر خلاقیت و نوآوری و آفرینش های هنری مسدود نمود. تاریخ و تجربه ی انسانی نشان داده است که هر گاه اراده بر آن بوده تا موضوعی ماندگار و جاودان شود این زبان فرهنگ و بیان هنر بوده است که به نامیرایی آن کمک کرده است و در یک جمله باید گفت لازم است آن موضوع به فرهنگ جامعه تبدیل، تا به آثار مثبت آن پی ببریم و جالب این که هرگاه موضوعی برآمده از متن فرهنگ و هنر یک جغرافیا بوده است مردم آن جامعه به پذیرفته شدن آن مقوله واکنش لازم را نشان داده اند و مصادیق آن هم در هنرهایی همچون نمایش و فیلم و موسیقی و شعر و ... در میهن عزیزمان بسیار زیاد است که در جهت پاسداشت آیین های ملی و مذهبی به منصه ی ظهور رسیده اند. نتیجتا این که می توان گفت: این غنای فرهنگی و هنری است که جامعه ای را در برابر آسیب های تاریخی و اجتماعی سلامت نگاه می دارد و عامل نجات جامعه نیز هست.

وی افزود: قطعا باید ظرافت های روحی و فکری و همچنین حساسیت های فوق العاده ی ذهنی هنرمندان استان عزیزمان، بوشهر را بیش از پیش درک کنیم وحرمت بگذاریم و عرق ریزان روح هنرمندان را در تمامی رشته ها و گرایش ها ارج نهیم و قدر بدانیم.

مشاور ارشد استاندار بوشهر در خصوص برگزاری هفته ی فرهنگ و هنر دیر در تهران گفت: آن چه از هر سخن و حکایتی مهم تر است و البته قابل احترام و ستایش ؛ عزم جزم ، پشتکار و استقلال فکری و عملی هنرمندان توانمند و گرانقدر شهرستان دیر است که بالواقع با پایمردی و پافشاری این عزیزان در برگزاری این هفته ی فرهنگی و هنری در پایتخت (آن هم در یکی از فرهنگسراهای برجسته ی آن)، آرام آرام حمایت های بعدی را از جانب مسوولین ذیربط به همراه داشت. جالب است اشاره کنم که بعد از چهار روز اجرا در روز اختتامیه جمعیت بیرون از سالن دو برابر گنجایش و ظرفیت سالن اجتماعات فرهنگسرا بود و این یک موفقیت چشمگیر برای هنر و هنرمندان در سطح استان بوشهر می باشد.

وی در پایان افزود: امیدوارم رویه ی برخوردها با هنر و هنرمندان و فرهنگ و فرهنگیان بسیار شایسته تر از پیش شود و در حد شان و شخصیت والای هنرمندان آن ها را و آثارشان را ارج بگذاریم.

استاندار بوشهر:

هیچ رسانه ای را در دولت تدبیر و امید محدود نمی کنیم

انتقاد از محدودیت اجرای هنرمندان بومی



استاندار بوشهر گفت: هر رسانه ای از هر گروه سیاسی می تواند آزادانه بنویسد و انتقاد سازنده داشته باشد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، مصطفی سالاری در نشست با مسوولان روابط عمومی دستگاه های اجرایی استان بوشهر افزود: استفاده از توان هنرمندان بومی در استان بوشهر ضروری است.

وی در باره محدودیت رسانه ها بیان کرد: همه رسانه ها از هر گروهی و جناحی برای ما برابرند و هیچ رسانه ای را در دولت تدبیر و امید محدود نمی کنیم.

استانداربوشهر ادامه داد: هر رسانه ای از هر گروه سیاسی می تواند آزادانه بنویسد و انتقاد سازنده داشته باشد.

دکتر سالاری اضافه کرد: نقدها باید منصفانه باشد ولی در مقابل نقدهای غیر منصفانه نیز باید صبور و بردبار باشیم.

وی اظهارکرد: نقد به معنای اصلی آن به مثابه امربه معروف و نهی از منکر و مصداق یک وظیفه شرعی است که اگر این باب بسته شود فرصت پیشنهاد نیز در جامعه بسته می شود.

استاندار بوشهر گفت: هنرمند بومی که نتواند در این استان اجرا داشته باشد ولی در استان های همجوار با مجوز اجرا می کند، بیانگر کج سلیقگی ما مسئولان است.

استاندار بوشهر اضافه کرد: هیچ تبعیض و تذکر شفاهی به هیچ رسانه ای نداریم و همه رسانه ها و مطبوعات با رعایت قوانین جمهوری اسلامی می توانند آزادانه در جامعه فعالیت کنند.

دکترسالاری افزود: جامعه به نشاط و تبادل افکار نیاز دارد و باید با همکاری همه افراد و دلسوزان نظام این زمینه در جامعه فراهم شود.

استاندار بوشهر گفت: همچنین عدالت در دادن آگهی ها از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به مطبوعات باید رعایت شود.

وی گفت: روابط عمومی پیشانی دولت در مواجهه با مردم است و انعکاس مشکلات مردم به مدیران و انتقال سیاست های دستگاهها به مردم نیز از سوی روابط عمومی ها انجام می شود.

دکتر سالاری یادآور شد: حسن خلق، رفتار و کارکرد مناسب مدیران روابط عمومی در هماهنگی مردم با دولت موثر است.

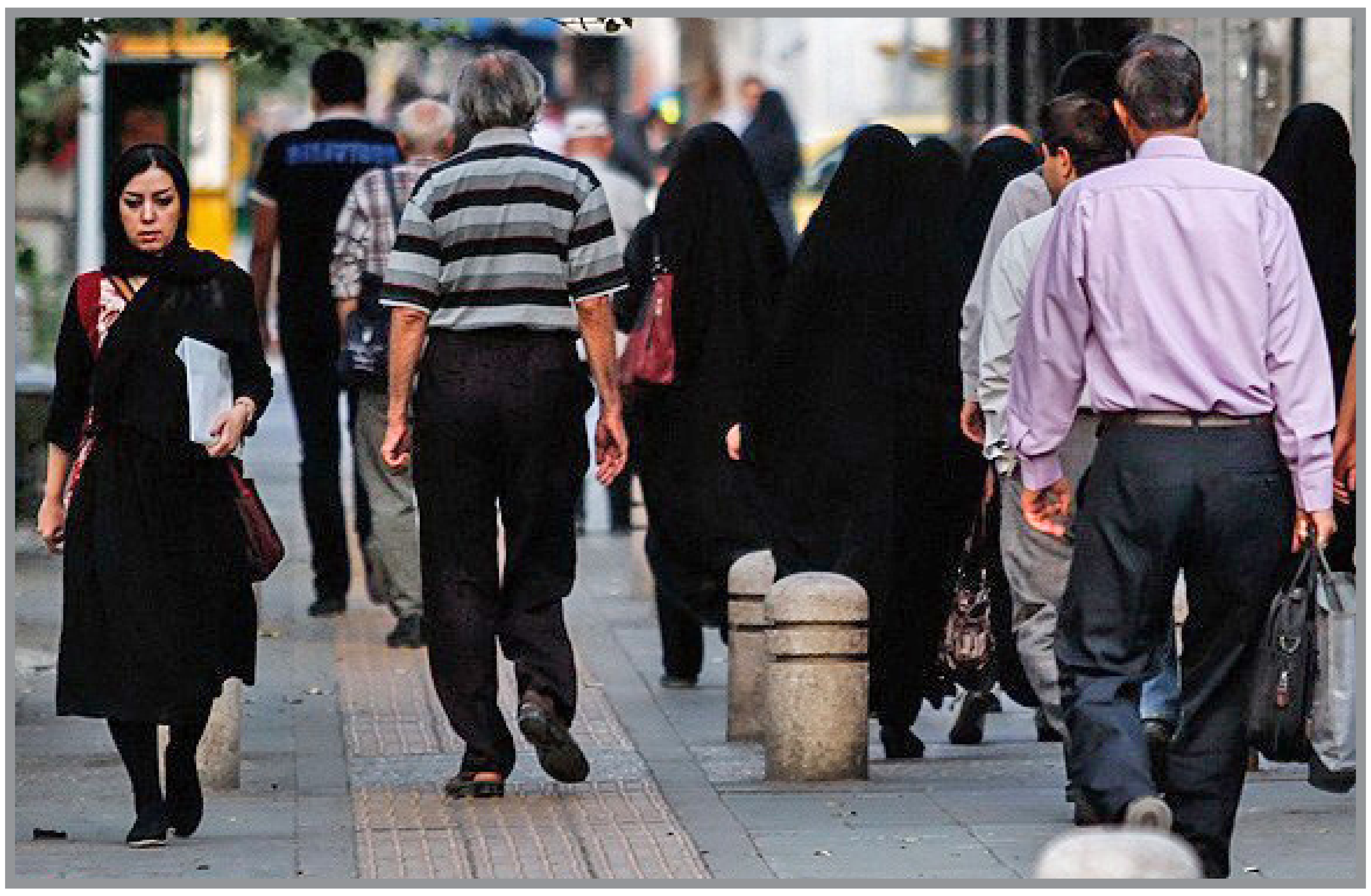
استاندار بوشهر اضافه کرد: روابط عمومی ها به عنوان کانال اصلی ارتباطی با مردم باید ایفای نقش کنند و حتی اگر جواب دستگاه به خواسته فردی نه باشد نیز باید این جوان را با احترام و استدلال بیان کنند.

دکترسالاری با اشاره به دهه مبارک فجر گفت: برنامه های دهه فجر باید با برنامه ریزی و شکوه خاص همراه با حضور مردم برگزار شود.

نسیم جنوب
هامون ۶۹
شماره ۷۲۵- یک شنبه۱۳ بهمن ۱۳۹۲
NASIM JANOUB
ویژه منشور حقوق شهروندی

در ستایش "جامعه مدنی"

تاملاتی بر اولویت وجود جامعه مدنی بر "منشور حقوق شهروندی"





اسماعیل حسام مقدم

یک.
جوامع انسانی در ساختار نخستین و اولیه ای که داشته اند، همواره هر فرد خود را درون جهانی تعریف می نموده که حاصل عقل جمعی قبیله و عشیره خویش بوده و بزرگ قبیله به مثابه مرجع درک و تفسیر از جهان در تبیین حقوق هر فرد حضوری کاریزماتیک پیدا می کرده است. این روند در رخدادی که در دوره روشنگری صورتبندی شد، به وجهی از ظهور انسانی انجامید که عصر مدرن را با همه حقوق فردیت یافته و تشخص یافته اش شکل بخشید. دولت – ملت ها شکل گرفتند و هر فرد درون این هویت ملی به تعریف خویش پرداخت. این تشخص یافتگی مفرط در جهان جدید با میزان بالایی از پیچیدگی روابط بیناانسانی و حتا بین انسان و طبیعت همراه شد، در روند پیش گفته انسان با چالش هایی هویتی مواجه گردید که به طور مثال چه توازنی باید بین هویت فردی و شخصی اش با هویت ملی برقرار گردد؟ در این میان چه معیاری به این توازن کمک خواهد نمود و انسان مدرن را از سردرگمی و سرگردانی رهایی خواهد بخشید؟ از درون این مساله بشری؛ مفهومی برخاست که می شود آن را با واژه "قانون" متناظر انگاشت. دولت ها برای تبیین شکلی از هویت متوازن فردی / جمعی نیازمند تدوین قراردادی اجتماعی گشتند تا از درون آن هر سوژه ی انسانی را درون نظم نمادین معنا بخشد. ازهمین رو قوانین اساسی ملی مدون گشتند. یکی از ساحت های این قانون، به شهر و شهروندی مربوط می شد. اما انسان از درون همین جهان منظم و قاعده مند مدرن در چند دهه اخیر به درون جهانی پرتاب شده است که آن مرزهای هویتی دولت – ملت ها دچار حفره شده اند و علوم انسانی با تعریفی از انسان مواجه گشته که دیگر با انگاره های متقن و مطلق دوره روشنگری قابل توصیف نیست. به درون جهانی جدید گام نهاده ایم که انقلاب اطلاعات و شبکه ای شدن ارتباطات را در خود درحال تجربه کردن دارد. هویت های خاص (قومیتی، نژادی، جنسیتی،...) و اقلیت هایی که زبان و تریبونی برای سخن گفتن در اختیار نداشته اند، ظهور کرده اند. حال این روند مذکور که اشاره گشت، نگارش منشوری از حقوق شهروندی را که پیش فرض خود را بر همان وجه هویت ملی و ساختار دولت – ملت مدرن نهاده باشد را به کلی منتفی می کند. این پاشنه آشیلی هست که به طور کلی روح این منشورحقوق شهروندی (۱۳۹۲) را با خدشه ای همراه می سازد تا در کلیت کاربردی شدن آن تردید جدی روا داشته شود. پرسش اساسی در مقابل نگارش این منشور با داشتن آن پیش فرض های گفته شده این هست که روح کلی این منشور چه نشانه هایی در درک و فهم هویت های خاص و اقلیت ها در جهان جدید با خود به همراه دارد؟ آیا نشانه و یا کدی متفاوت را حتا به دست داده است؟

دو.
اگر از چالش بنیادین پیش فرض های مطروحه درون این منشور با تردید بگذریم، اما نمی شود از وجه اجرایی و عملیاتی این چنین منشوری (با تقلیل گرایی) گذر نمود. به راستی در جامعه مدرنی که دولت سایه سنگین خویش را در تمام سویه های زیستی مردمانش گسترانده و بزرگترین مرجع تفسیر جهانی مردمان، نظم نمادین "دولت" گشته؛ آن چنان که یورگن هابرماس از آن به مستعمره نمودن زیست جهان یاد می کند، حقوق شهروندی چه معنایی می تواند با خود به همراه آورد؟ اگر در نظام عشیره ای و طایفه ای این پدربزرگ بود که به همه چیز معنا می بخشید، در این ساختار "دولت" هست که به همه هویت ها را حیات می بخشد و آنچه را که نخواهد از معنا ساقط خواهد نمود. این ادامه منطقی همان نظم نمادینی هست که نمی شود به این سادگی ها از کنارش گذر نمود و نادیده انگاشتنش! مساله ای که رخ نموده را تنها می شود از معبر آفرینش معناهای جدیدی دنبال نمود که مرجع مفسر آن جایی به غیر از هژمونی

> **پرسش اساسی در مقابل نگارش منشورحقوق شهروندی (۱۳۹۲) این هست که روح کلی این منشور چه نشانه هایی در درک و فهم هویت های خاص و اقلیت ها در جهان جدید با خود به همراه دارد؟ آیا نشانه و یا کدی متفاوت را حتا به دست داده است؟**

"پدربزرگ" و یا "دولت" باشد. این مرجع را می توان در مفهوم "جامعه مدنی" مستقل از پدربزرگ/دولت جست وجو نمود. به نظر می رسد که نگارش متنی که برای شهروندان نگاشته شود و درون خود مفهومی همچون "جامعه مدنی" را تئوریزه ننموده باشد، از اساس نه به دنبال حقوق شهروندان که به دنبال حقوق پدربزرگ/ دولت است.

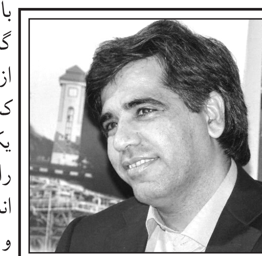
سه.
نقطه عزیمت ویژه نامه "هامون" که در دست دارید؛ دقیقن ازهمین جاست که برای تدوین منشور حقوق شهروندی تا چه میزان به موجودیت ضروری مفهومی همچون "جامعه مدنی" قوی و مستقل از پدربزرگ/دولت مدنظر نویسندگان منشور بوده است. به زعم نویسنده مادامی که ضرورت وجود جامعه مدنی درک و فهم نشود و نگرشی شعورمند نسبت به بود و نمود آن در ساختار نظم نمادین سلطه پدربزرگ/دولت شکل نگیرد، متاسفانه نوشتارهایی همچون منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۲) همچنان تکرار همان حقوقی هستند که چندین دهه پیش نیز در قانون اساسی تدوین شده بود. این ویژه نامه چهارصفحه ای "هامون" در هفته نامه نسیم جنوب این نکته حیاتی را در مقابل نگارش منشور می گذارد که برای اجرایی شدن این حقوق شهروندی، باید ابتدا به درک ضرورت موجود بودن "جامعه مدنی" پی برد و در راستای برساخته شدن آن، اگر کمکی و تسهیلگری ای اگر صورت نمی پذیرد، لااقل مشکلی و مساله ای به وجود نیاید.

چهار.
ویژه نامه "هامون" در نقد و تفسیر منشور حقوق شهروندی با خود مقالاتی از نخبگان و متخصصین حوزه های مختلف علوم انسانی را به همراه دارد تا ازهمین رهگذر بتواند درک درستی از هر بخش از این منشور به مخاطبین به دست دهد و از سوی دیگر با نگاهی تخصص گرایانه به هرکدام از حوزه های مورد نظر در این منشور (حیات، سلامت و زندگی شایسته – آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات – دسترسی به اطلاعات – هویت فرهنگی، بیان رسانه ای و آفرینش هنری – حریم خصوصی – سلامت اداری، حکمرانی شایسته و حکومت قانون – شفافیت و رقابت – حق مشارکت شهروندان در سرنوشت اجتماعی – حقوق اقتصادی و مالکیت – اشتغال و کار شایسته – آسایش، رفاه، حمایت و تامین اجتماعی – عدالت قضایی – آموزش و تعلیم – خانواده، زنان ، کودکان، و کهنسالان – نخبگان، استادان و دانشجویان – ایثارگران، جانبازان و خانواده های معظم شهدا – اقلیت ها و اقوام – روستا نشینان و عشایر – محیط زیست و توسعه پایدار – مبارزه با مواد مخدر و تابعیت، اقامت و ایرانیان خارج از کشور)، تدوینگران و نویسندگان منشور را مخاطب خویش قرار دهد.

* اسماعیل حسام مقدم؛ کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، عضو پیوسته انجمن جامعه شناسی ایران و عضو شورای نویسندگان "هامون"

سلامی و کلامی ...

شهروندانی همیشه شهروند



یونس قیصی زاده

بالاخره پس از گذشت قرنهای بسیار از جنگ و تجاوز و کشتار انسانها بر علیه یکدیگر، دموکراسی راه حل توافقی انسانها برای حکومت و زندگی گردید. اما دموکراسی نیاز به انسانهایی فعال، مطلع و مسئولیت پذیر دارد، آن چه که از آن به عنوان شهروندی یاد می شود. برای زندگی بهتر، نیاز به شهروندانی است که بتوانند فعالانه در اجتماع حضور داشته و در قبال خود و اجتماعشان، مسئولیت پذیر باشند.

خوشبختانه دولت دکتر روحانی تاکنون توجه خاصی به مقوله شهروندی داشته و انتشار مقدماتی «منشور حقوق شهروندی» از سوی دولت نشان می دهد که در این زمینه سعی می شود تا قانونمند و سازمان یافته به حقوق شهروندان پرداخته گردد. گرچه می توان اظهار داشت که در سالهای گذشته حقوق شهروندان در درجه چندم اهمیت قرار داشته و به سادگی در مواجه با منافع قدرت و ثروت، نادیده انگاشته شده و به حساب نیامده است، اما توجه ویژه ساختار قدرت به این امر، هرچند که ممکن است همراه با نواقص و کاستی هایی هم باشد، جای سپاس دارد.

اما نکته مهم در این زمینه این است که نباید مسئولیت حقوق شهروندی را کاملا بر دوش دولت و ساختار قدرت گذاشت و از این طریق بدنه اجتماعی و مردم را بی نیاز به فراگیری آموزه های شهروندی دانست.

از دیدگاه کیث فالکس (یکی از صاحب نظران مبحث شهروندی) "شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد."

بنا به این تعریف که مورد موافقت عمومی محققان شهروندی قرار گرفته است، شهروندان در هر جامعه، ضمن اینکه دارای حقوقی برای زندگی در اجتماع هستند، باید وظایف خود را نیز به عنوان شهروند به درستی انجام داده و به تعهداتی که بر دوش آنها گذاشته شده است نیز پایبند باشند. اما این وظایف و تعهدات شهروندی چیست؟ در پاسخ به این سوال بسیار مهم، مبحث جدیدی در مقوله شهروندی گشوده می شود و آن آموزش و تربیت شهروندان است.

اما تربیت و پرورش شهروندانی، به سادگی امکان پذیر نمی باشد. گرچه در محیط خانواده و یا کار، می توان برخی از آموزه های شهروندی را فرا گرفت، اما این اندک، برای تجهیز شهروندانی فعال کفایت نکرده و اگر خواستار شهروندانی مسئول و فعال هستیم، نیاز است تا آموزه های شهروندی به صورت سازمان یافته و هدفمند، از طرق مختلف از جمله مدارس در کودکی و نوجوانی و همچنین از طرق آموزش بزرگسالی در سالهای بعد از آن، آموزش داده شود. بنابراین آموزش شهروندی تنها مختص به سالهای مشخصی از زندگی انسانها و یا قشر بخصوصی از افراد نیست، بلکه این آموزش ها باید به طور فراگیری همه افراد جامعه را در بر گیرد و به عبارتی حق همه افراد است که بدون توجه به توانایی ها و یا موقعیت هایی که در آن قرار گرفته اند، از آموزش های شهروندی استفاده نمایند. همچنین آموزش های شهروندی باید تنها در یک مقطع زندگی محدود نشده و به عبارتی دائمی بوده و در طول زمان امتداد داشته باشد. برای رسیدن به این مهم، نیاز به آموزش های متداول شهروندی وجود دارد بطوری که تنها در محدود مکان مدرسه و دوران دانش آموزی، خلاصه نشود و به عنوان بخش اصلی تمام برنامه ریزی های آموزشی، مد نظر قرار گیرد.

بنابراین نیاز ضروری است تا افراد جامعه با آموزه های شهروندی از جمله روحیه مشارکت جویی، آگاهی مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و...، مسائل زیست محیطی، فرهنگ شهرنشینی، تقویت وفاق اجتماعی و قانون گرایی، انتقاد پذیری و انتقاد گری، آگاهی از حقوق شخصی و اجتماعی، پدیده جهانی شدن و ارتباطات متقابل، صلح و توسعه پایدار، تحمل و بدباری و پذیرش دیگران، تقویت حس وطن پرستی، پذیرش تنوع و تکثر در جامعه، احترام به تنوع فرهنگی و... آشنا شوند. به نظر می رسد که یک شهروند مطلوب برای جامعه ایران باید در سه حیطه با قلمرو دارای صلاحیتهای معینی باشد که عبارتند از:

۱. «شناخت مدنی»: عبارت است از مجموعه ای از آگاهی ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی. مولفه های آن که عبارتند از آگاهی از نحوه به دست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه های احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی.

۲. «توانایی مدنی»: مجموعه از مهارتها، قابلیت ها و توانمندی هایی است که هر فرد برای زیست در جامعه ای که در آن زندگی می کند به آنها نیاز دارد و مؤلفه های آن عبارتند از توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیمات منطقی و توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

۳. «نگرش مدنی»: که عبارت است از مجموعه ای از طرز تلقی ها، باورها و دیدگاه هایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مولفه های آن عبارتند از، پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی ملی.

برای آموزش صلاحیتها و مولفه های شهروندی و آموزش شهروندان، سیاست ها، برنامه ها، تاکتیک ها، موقعیت ها، مکان ها، ابزارها و راههای مختلفی وجود دارد که در صورت تعامل و هماهنگی آنها در این زمینه می توان به هدف رسیدن نتایج آموزش شهروندی امیدوار بود.

از جمله روش های آموزش شهروندی استفاده از رسانه ها و از جمله مطبوعات است. البته نیاز به کنکاش فراوانی نیست تا دریابیم که انسانها در جهان کنونی، به شدت زیر سایه رسانه ها قرار داشته و زندگی ما به نحو عمیق و گسترده ای تحت تاثیر محتوا و حضور رسانه ها، قرار گرفته است. البته در این راه باید اظهار داشت که دست اندرکاران ارتباطات نیز به طور وسیعی سعی دارند تا ضمن تحت پوشش بردن بیشتر مخاطبان، به انحای گوناگون بر آنها تاثیر گذاشته و از جنبه های مختلف، زندگی آنها را دچار تغییر و تحول و نوآوری نمایند. از این رو در آموزش شهروندی، نمی توان نقش رسانه ها و از جمله مطبوعات را نادیده گرفت و در بررسی تاثیرات آموزش شهروندی در تربیت افراد، به سادگی از کنار آن گذشت.

عدالت قضایی در منشور حقوق شهروندی جدید



محمد آقایان حسینی – دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل- دانشگاه آزاد واحد نجف آباد

منشور حقوق شهروندی به اهتمام ریاست محترم جمهور در آذر ماه سال جاری و توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری تدوین و تنظیم شد. در این یادداشت نگارنده بخش «عدالت قضایی» این منشور را به اجمال مطمح نظر قرار داده و ضمن تبیین کلی بحث، تحلیل کوتاهی در خصوص امکان پذیری مفاد این بخش در پرتو عزمِ دولت فعلی ارائه خواهد داد.

همانطور که خود منشور نیز در فصل اول اذعان دارد، این سند به لحاظ حقوقی، در بر دارنده توسعه و یا تحدیدی در و یا بر حقوق و تکالیف قانونی شهروندان ایران نیست، بلکه صرفن دولت با تنظیم آن عزم خود را، به عنوان اصلی ترین مجری قوانین، بر تحقق حداکثری حقوق شهروندی و فراهم کردن زمینه برای چنان نتیجه ای، ابراز داشته و البته طبیعی است که در آینده کارنامه این دولت درباره پیاده سازی و اجرای این منشور مورد ارزیابی مردم و نهادها قرار خواهد گرفت.

هنگامی که حقی ضایع می شود و یا جرمی ارتکاب می یابد، تمامی قواعد و قوانینی که برای استیفای حقوق شخصی و یا تأمین و ترمیم حقوق جامعه (در مسائل کیفری) وضع شده اند و غالبن توسط مراجع قضایی به موقع اجرا گذاشته می شوند، می بایست به نحوی که خاطر عدالت را راضی کند، اِعمال و اجرا شوند. در اصطلاحِ حقوقی اجرای عادلانة فرایندِ دادگستری را «عدالت قضایی» می نامند و به عبارت مطبوع تر، عدالت قضایی، عدالت در عدالت گستری است. لوازم عدالت قضایی، در حقیقت از حقوق بنیادین انسان است و از قواعد حقوق بشری نسل اول محسوب می شود.

در منشور حقوق شهروندیِ تدوین شده، نُه بند به «عدالت قَضایی» اختصاص دارد که انعکاس دهنده قواعد این حوزه در حقوق داخلی کشور ما است. در این نُه بند، به مواردی همچون، حق دادخواهی، حق در دسترس داشتن محاکم صالحه و حق مراجعه به آنها، حق دفاع از خود در مراجع قضایی، اصل برائت، اصل قانونی بودن، ممنوعیت اضرار به غیر، حق بر تمامیت جسمی، روانی و حیثیت، ممنوعیت شکنجه به خصوص جهت اخذ اعتراف، ممنوعیت شهادت دروغ و به وظیفه دولت بر حمایت از شهروندان قربانی جرم و شبه جرم اشاره شده است.

واضح است که از برخی دیگر از موضوعات مربوط به حوزه عدالت قضایی در این منشور ذکری به میان نیامده است. از جمله: ۱. دادرسی منصفانه ۲. اصل عدم تأخیر نامتعارف در رسیدگی‌های قضایی ۳. اصل ساده سازی رسیدگی های کیفری ۴. اصل منع محاکمه مجدد ۵. حق تجدید نظر خواهی و...

اما نکته مهمی که تحت تأثیر نوع نگارش و ادبیات این منشور در ارتباط با حوزه «عدالت قضایی» جلب نظر می کند آن است که اساسن عامل و مجری اصلیِ اصول، حقوق و ساز و کارهاییَ که عدالت قضایی را رقم می زند، قوه قضائیه است و حال آنکه ادبیات منشورِ مورد بحث به گونه



ایست که آن را به عنوان سندی که تعیین کنندة خط مشی دولت یازدهم (قوه مجریه) بوده و این قوه در تحقق قواعد و الزامات آن تلاش خواهد کرد، معرفی می نماید. شکی نیست که دولت تنها در مراحل اولیه حوزه عدالت قضایی همچون بازرسی، تحقیق و توقیف می تواند اثر گذار باشد، لیکن بقیه مراحل این حوزه از جمله: بازپرسی، تعقیب قضایی، رسیدگی شکلی و ماهوی، صدور حکم و اجرای آن، داخل در کارویژه های قوه قضائیه است.

بدیهی است که دولت به عنوان قوه مجریه اقتداری در خصوص بازخواست ناقضان حقوق شهروندی در حوزه «عدالت قضایی» نخواهد داشت. لذا به نظر می رسد آنچه که می تواند دولت یازدهم را در تحقق «عدالت قضایی» یاری رساند، نه از طریقِ اِعمالِ اقتدار ساختاریِ دولتَ و نهَ از طریقَ ارائه لایحه به قوه مقننه جهت وضع قانون جدیدی که هیچ گاه اجرا نخواهند شد، بلکه با توسعه آگاهی در جامعه نسبت به حقوق شهروندی در حوزه «عدالت قضایی» و نیز تلاش برای باز کردن فضای نقد و بررسی عملکرد نظام قضا در کشور تحقق خواهد یافت، امری که تاکنون محقق نشده و اندک کسانی هم که در این راه گامی زده اند گامها خورده اند.

تحلیل منشور حقوق شهروندی به لحاظ آموزشی

شیرزاد عبدالهی
فعال صنفی معلمان و فرهنگیان



اینکه آقای رییس جمهور، منشور حقوق شهروندی منتشر کند، حداقل فایده اش برای ما این است که به بهانه نقد یا تایید این منشور می توان درباره مفاهیم حقوق بشری گفت و نوشت. خوبی پیش نویس این است که به جنبه های اجتماعی حقوق شهروندان از جمله حق آموزش و لوازم آن نیز توجه شده است. بندهایی از این منشور درباره حقوق کودکان است. مثلا : کودکان باید از حمایت های اجتماعی متناسب با نیازهای ویژه آنان، از جمله... امکانات آموزشی و تحصیلی مناسب، مربیان و معلمان متخصص و صلاحیت دار برخوردار باشند. کودکانی که والدین آنها شاغل هستند، باید از امکانات و شرایط مناسبی برای سهولت در نگهداری و مراقبت و زندگی متعارف اجتماعی دوران کودکی بهره مند شوند.... نظر کودکان و نوجوانان باید در مسائل مربوط به زندگیشان... مورد توجه قرار گیرد... حق تمامی شهروندان ایرانی است که از امکانات آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه و نیز وسایل و امکانات تحصیلات عالی بهره مند گردند... دولت موظف است زمینه دسترسی مطلوب کلیه شهروندان را به آموزش و تحصیل مناسب فراهم نماید.... قرار گرفتن کودک در معرض اطلاعاتی که ممکن است موجب بروز خشونت فکری و غلبه ترس و هراس فیزیکی و یا ذهنی بر آنها شود، مجاز نیست و نقض حق سلامت کودک محسوب میشود.

این حقوق عینا در بند ۹۴ (حق تمامی شهروندان ایرانی است که از امکانات آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه و نیز وسایل و امکانات تحصیلات عالی بهره مند گردند.) و بند ۹۵ (بهره مندی از آموزش و تحصیل جزو حقوق هر شهروندی است. دولت موظف است به منظور حفظ سرمایه های انسانی، زمینه دسترسی مطلوب کلیه شهروندان را به آموزش و تحصیل مناسب فراهم نماید.)، بند ۱۰۴ (کودکان باید از حمایتهای اجتماعی متناسب با نیازهای ویژه آنان، خدمات بهداشتی مناسب از جمله تغذیه و آب سالم، محیط زندگی مساعد اعم از خانه و مدرسه، خدمات درمانی و پزشکی با کیفیت، تفریح، فعالیتهای خلاقانه و سرگرم کننده، امکانات آموزشی و تحصیلی مناسب، مربیان و معلمان متخصص و صلاحیت دار برخوردار باشند. کودکانی که والدین آنها شاغل هستند، باید از امکانات و شرایط مناسبی برای سهولت در نگهداری و مراقبت و زندگی متعارف اجتماعی دوران کودکی بهره مند شوند.)، بند ۱۰۵ (کودکان حق دارند به اطلاعات متناسب با سن آنها دسترسی داشته باشند. قرار گرفتن کودک در معرض اطلاعاتی که ممکن است موجب بروز خشونت فکری و غلبه ترس و هراس فیزیکی و یا ذهنی بر آنها شود، مجاز نیست و نقض حق بر سلامت کودک محسوب می شود) و بند ۱۰۸ (کودکان و نوجوانان باید از حمایت های ویژه برخوردار شوند. نظر این افراد باید در مسائلی که مربوط به زندگی شان محسوب می شود، با در نظر گرفتن سن و درجه رشد آنها مورد توجه قرار گیرد.) پیش نویس منشور مورد تاکید قرار گرفته اند. می توان گفت که در منشور به مهم ترین حقوق آموزشی کودکان توجه شده است . البته منشور بحث محتوا و کیفیت آموزش را ندیده است اما تحقق همان اصولی که در منشور آمده بسیار مهم و اساسی است. نکته مهم این است که حقوق دانش آموزان بر خلاف حقوقی مانند آزادی بیان و آزادی تشکیل اجتماعات و حقوق زندانیان سیاسی و محاکمات و....توسط قوای دیگر و یا نهادهای خودسر که دولت بر آنها تسلط ندارد نقض نشده است بلکه ناقض این حقوق در درجه اول وزارتخانه ای است که مستقیما زیر نظر رییس جمهور قرار دارد.

رییس جمهور برای تامین این حقوق است کافی است که از وزیر آموزش و پرورش بخواهد این حقوق را رعایت کند و مثلا «مربیان و معلمان صلاحیت دار و متخصص» سر کلاس بفرستد و یا دوره پیش دبستانی را عمومی و اجباری کند و یا با اخذ پول تحت عناوین مختلف، رایگان بودن تحصیل تا پایان متوسطه را اجرایی کند و یا برای بچه های خانم های شاغل مهدکودک مجانی دایر کند و یا نظر دانش آموزان را در مورد نحوه اداره مدرسه بپرسد و یا زمینه دسترسی مطلوب کلیه شهروندان به آموزش و تحصیل مناسب (آموزش برای همه) را فراهم نماید و...

احتمالا وزیر آموزش و پرورش به رییس جمهور خواهد گفت که اجرای برنامه آموزش رایگان و پوشش بچه های پیش دبستانی و تاسس مهدکودک مجانی و اجرای برنامه آموزش برای همه نیاز به بودجه کافی دارد و با بودجه فعلی نمی شود وارد این مباحث شد. اما رییس جمهور می تواند به او بگوید که توجه به نظر کودکان و نوجوانان در مسائل مربوط به زندگیشان نیازی به بودجه اضافی ندارد و یا ممانعت از قرار دادن کودک در معرض اطلاعاتی که موجب بروز خشونت فکری و غلبه ترس و هراس فیزیکی و یا ذهنی بر آنها شود، حتی باعث صرفه جویی در بودجه آموزش و پرورش می شود... مثلا اگر در برنامه های صبحگاهی مدارس به جای فریادهای مرگ خواهی ، از زندگی و امید بگویند جلوی اشاعه خشونت و ترس و نفرت تا حدودی گرفته می شود و اگر کتاب های درسی به جای ترویج خشونت و نا برداری ، مروج مهربانی و کمک به همنو ع و دوست داشتن انسانها باشد، برخی از اهداف منشور بر آورده می شود. درواقع مشکل ما نداشتن قانون و منشور و بخشنامه های خوب نیست . مشکل اجرای قانون است. رئیس جمهور باید دنبال این باشد که چرا منشور ها و قوانین قبلی اجرا نمی شود؟

نسیم جنوب ۴
هامون ۶۹
شماره ۷۲۵- یک شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

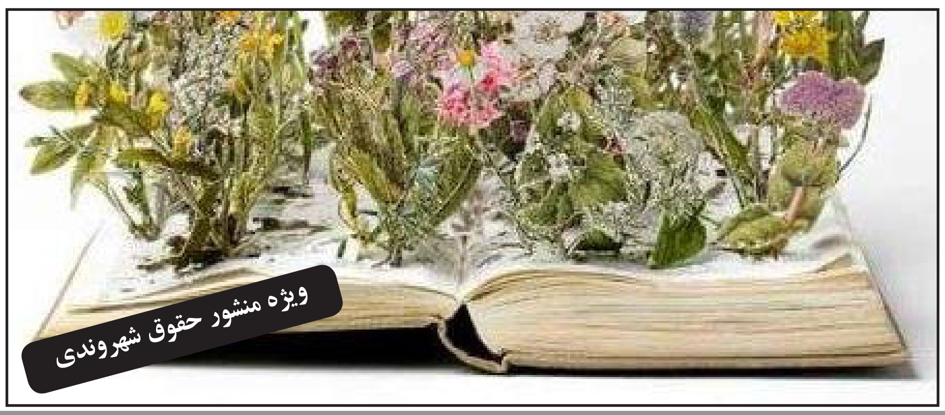
درنگی کوتاه در باب بخش خلاقیت و آفرینش هنری منشور حقوق شهروندی

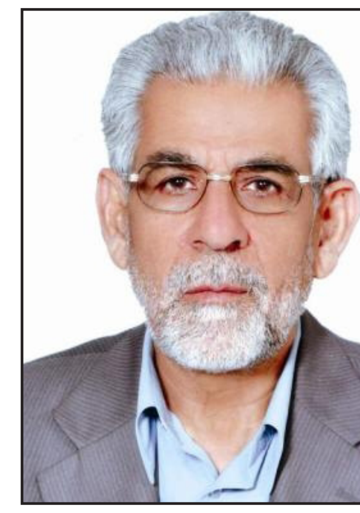
محمدرضا شهبازی فرد

آفرینش و خلاقیت هنری در هر جامعه ای بی گمان سازو ساخت های فرهنگی آن جامعه را تشکیل می دهد و نقش و تاثیر هنر و هنرمندان در یک جامعه انسانی از ابتدای خلقت تا کنون را نمی توان با هیچ بهانه ایی کتمان کرد.

اینک که در منشور حقوق شهروندی به جایگاه و نقش ایفایی هنرمندان توجه شده است یادآوری چند باره این نکته مهم می نماید که از آنجا که ذات آفرینش و خلاقیت با آرامش روح و روان همراه است، می بایست شرایط هنرمندان خلاق و آفرینش گر با آرامش از هر سوی همراه باشد و به ساماندهی شرایط هنرمندان از نظر معیشت و اندک رفاه اقتصادی توجه و در پی آن، مناسبات بهتری برای ارائه آثار آنها با کمترین مشکل فراهم شود، تا ارتباط دوسویه بین هنرمندان و جامعه ایجاد شده و بستر های کاربردی تر شدن همه انواع هنر هر چه بیشتر فراهم آید.

* محمدرضا شهبازی فرد؛ دکتری مردم شناسی تئاتر و مدرس دانشگاه







اجحاف حقوق شهروندی

دکتر سید محمد مهدی جعفری

بزرگترین حقی که خدای پاک از هر کاستی از آن حقوق واجب کرده، حق سرپرست بر عهده شهروند و حق شهروند بر عهده سرپرست است؛ وظیفه بایسته ای است که خدای سبحان به سود هر یک از آن دو بر عهده دیگری واجب کرده است. در نتیجه آن ها را نظامی برای همبستگی و وسیله ای برای عزت و نیرومندی دینشان ساخت. پس امور شهروندان به سروسامان نمی رسد جز با صالح بودن سرپرست و سرپرستان صالح نمی شوند جز با پایداری شهروندان (بر روی حقوق خود) از هنگامی که شهروند حق سرپرست را بجای آرود و سرپرست حق شهروند را گزارد، حق در میانه آنان به عزت و نیرومندی می رسد، راه های روشن دین به روی مردم گشوده می شود و نشانه های دادگری به استواری برپا می ایستند، سنت ها بر راه های هموار خود به حرکت درمی آیند؛ در نتیجه روزگار به سروسامان می رسد و اصلاح می شود و به پایداری و ماندگاری دولت امید می رود و چشمداشت های دشمنان (برای نابودی چنین نظامی) به ناامیدی تبدیل می شود.

و لیکن هنگامی که شهروندان سرپرست را مغلوب (خواست های خود) کردند، یا سرپرست به حقوق شهروندان اجحاف کرد، در چنان مجتمعی اختلاف کلمه پیش می آید و نشانه های ستمگری پدیدار می شود و نیرنگ و فساد در دین رواج بسیار می یابد، و راه های روشن سنت های (پیامبر بزرگوار) کنار گذاشته می شود؛ در نتیجه بر طبق خواسته های افراد عمل می شود، احکام الاهی تعطیل می گردد و بیماری های روانی رو به فزونی می گذارد. آنگاه در چنین شرایطی هیچ کس برای تعطیل شدن و به اجرا در نیامدن حقی بزرگ احساس وحشت نمی کند و در برابر حاکم شدن و به اجرا در آمدن باطلی بزرگ به شگفتی دچار نمی شود. در آن جاست که نیکوکاران درست کردار خوار می شوند و بدکرداران شرور عزیز و ارجمند می گردند و حق خدا برای کیفر دادن به بندگان بسی گران و بزرگ می شود.

پس بر عهده شماست سفارش کردن به یکدیگر درباره رعایت حقوق و همیاری و نیک همکاری کردن با هم جهت انجام تعهدات خویش، زیرا هیچ کس نمی تواند چنانکه باید و شایسته است.

امیرالمؤمنین(ع)، در روزهای جنگ با شامیان در سرزمین صفّین حقوق شهروندان و وظایف و تکالیف آنان در برابر سرپرستان و مسئولان امور بیان کردند که «حقوق متقابل شهر» مشهور شده به شماره ۲۱۵ در بخش خطبه های نهج البلاغه ثبت است و شایسته است به عنوان مقدمه منشور حقوق شهروندی آورده شود:

پس از سپاس و ستایش به درگاه پروردگار و درود و رحمت بر پیامبر بزرگوار، خدای سبحان به علت سرپرستی امرتان برای من بر عهده شما حقی گذارده است و برای شما بر عهده من نیز همان گونه حق را گذاشته که برای من بر عهده شماست؛ «فَالحقُّ أَوسَعَ الأشياءِ فِي التَّواصُفِ و أَضيَقُها فِي التّناصُف» : حق در هنگام وصف کردن گسترده ترین دامنه ها را دارد و به هنگام به اجرا درآمدن تنگ ترین حوزه کارکرد را حق به سود هیچ کس به جریان درنمی آید مگر اینکه تعهد و تکلیفی بر عهده او گذارده و تکلیفی بر عهده کسی نمی گذارند مگر اینکه حقی به سود او جریان یابد. اگر کسی باشد که حق تنها به سود او جریان یابد و تعهدی بر عهده نگیرد، تنها خدای پاک از هر کاستی بود نه کسی از آفریدگانش، بدان جهت که قدرت او همه بندگانش را فرا گرفته است و دادگری او نیز در همه فرمان های گوناگون او جریان دارد، لیکن خدای سبحان هم حق خود را بر عهده بندگان چنین قرار داده که از او فرمان برند، جزای آنان را پاداش چند برابر خود گذاشته است؛ به جهت تفضّل و فزون بخشی گسترده ای که به عمل بندگان می دهد و تنها اوست که سزاوار چنین عملی است.

آنگاه خدای سبحان از حقوق خود بخش هایی را برگرفته آن ها را به سود برخی از مردم بر عهده برخی دیگر از مردم واجب گردانیده است. پس آن حقوق را در همه جهات برابر و هم ارز قرار داد. برخی از حق ها برخی دیگر را از خدای سبحان فرمانبرداری کند، اگرچه خشنودی خدا شدیداً آزمند باشد و تلاش او در عمل بسیار طولانی شود، لیکن از جمله حقوق واجب خدا بر عهده بندگانش نصیحت و انتقاد سازنده و خیرخواهانه به یکدیگر به اندازه توان و همیاری برای برپاداشتن ساختمان استوار حق در میان خودشان است.

این را هم بدانید که هیچ شخصی برتر از آن نیست که برای وادار کردن او به اجرای حقی که خدا بر عهده اش گذاشته است نیاز به یاری دیگران نداشته باشد، اگرچه منزلتش در حق بسی بزرگ و فضیلتش در دین بر دیگران را در این امر مهم یاری کند یا سزاوار یاری کردن نباشد، اگرچه افراد ظاهربین او را کوچک شمارند و چشم های (شخصیت پرست) در او به خُردی نگرند! (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵)

امور شهروندان به سروسامان نمی رسد جز با صالح بودن سرپرست و سرپرستان صالح نمی شوند جز با پایداری شهروندان (بر روی حقوق خود) از هنگامی که شهروند حق سرپرست را بجای آورد و سرپرست حق شهروند را گزارد، حق در میانه آنان به عزت و نیرومندی می رسد

و اما نکاتی که در این پیش نویس به نظر این بنده غیر متخصص در امور حقوقی به نظر میرسد:

۱ـ این متن را باید حقوق دانان باسابقه و استاد در موضوع قانون نویسی و در نهایت اداره تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی، به روشنی و شفاف و قابل فهم برای عموم، بنویسند.

۲ـ متن حاضر نیاز به یک ویراستاری نگارشی و ادبی و محتوایی دارد اگرچه من خود را شایسته برای ویراستاری این متن قانونی نمی دانم، لیکن برخی از اغلاط متن را یادآوری می کنم:

الف. «فراز» که در بسیاری از متون و سخنان به کار می رود، در فارسی معنای دوستی ندارد زیرا اگر منظور معنای فرانسوی آن است که بهتر است به جای آن در فارسی «عبارت»، «جمله»، «فقره»، «بخش»، «گزاره» و مانند این ها نوشت. اما اگر منظور همان «فراز» فارسی در برابر «نشیب» و «فرود» باشد، باز هم متونی که به کار می بریم درست به کار نمی رود، زیرا وقتی می گوییم «فرازی از قرآن» یا «فرازی از نهج البلاغه» یعنی بقیه آیات و جملات فرود هستند که سخن درستی نیست.

ب. در نظام جمهوری کسی که بعنوان رییس انتخابی شود «رییس جمهوری» است نه رییس جمهور زیرا جمهور یعنی همه مردم، در حالی که شخص انتخاب شده رییس نظام است نه رییس مردم. بنابراین اصطلاح «رییس جمهور» درست نیست و باید گفت «رییس جمهوری».

ج. اصطلاح و واژه ای که در برابر تکنولوژی بر نهاده شده «فناوری» است نه «فن آوری» زیرا فنّ در برابر تکنیک گذاشته شده و با پسوند «وری» آن ها را به صورت حاصل مصدر درآورده اند مانند «سخنوری» لیکن چون «فنوری» در زمان روا نمی آید یک «الف و وقایه» بین «فن» و «وری» افزوده شده است. بنابراین باید آن را «فناوری» گفت نه «فنّابری» یا «فن آوری» که ربطی به آوردن ندارد.

اینک با یادآوری چند نکته از این متن:

۱. فصل اول ـ قواعد عمومی ۱ـ۱ـ کلیه اتباع ایران صرف نظر از جنسیت، قومیت، ثروت، طبقه اجتماعی، نژاد (دین و مذهب) و یا امثال آن از حقوق شهروندی...

۲. ۱ـ۳... تکلیف دولت است تکلیف متقابل دولت و مردم است. (با توجه به مقدمه)

۳. ۱ـ۴ـ این بند از ماده ۱ درست مفهوم نیست و باید آن را روشن تر نوشت.

فصل دوم ـ ماده ۲:

۴،۳ـ۲ـ بهره مندی (یکسان) از زندگی شایسته و (پاکیزه) ... (برابر با حیات طیبه)

۳ـ۳ـ دستگاههای اجرایی موظفند... منطبق با استانداردهای (و جهانی)...

۳ـ۱۰ـ ... این حق (به هیچ بهانه ای و در هیچ شرایطی) قابل سلب شدن نیست و...

حقوق اقتصادی و مالکیت

این فصل بطور جامع و مانع نوشته نشده است، لازم است بوسیله کارشناسان حقوقی و مالی بازنویسی شود و موادی درباره مسائل اقتصادی و مالکیت که در فصل ها و مواد دیگر آمده یک جا نوشته شود.

ایثارگران، جانبازان و خانواده های معظم شهدا ۳ ـ۱۱۵. بهتر است در این بند نام آزادگان نیز تصریح شود.

نکته شایان یادآوری آن است که از این گروه و خانواده ها با عزت و احترام رفتار شود و به جای اعطای برخی از امتیازات معنوی مانند سهمیه در آزمون های ورودی، زمینه کسب مهارت برای آنان فراهم شود تا با نیروی علمی خود به مراکز آموزشی وارد شوند، نه با امتیاز که گرفتاری هایی برای خودشان و برای دانشگاه ها و اجتماع به دنبال دارد.

به هر حال این ها نکاتی غیرتخصصی بود که با یک نظر سطحی و سریع به چشم نگارنده رسید. امید است حقوقدانان و متخصصان و کارشناسان متن را با دقت بخوانند و برای بهتر شدن و به اجرا درآمدن درست و دادگرانه آن نظر بدهند.

منشور حقوق شهروندی؛ نهادینه شدن مبارزه با ناحقی

بررسی اجمالی پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی در حوزه‌های اقتصادی

دکتر ابراهیم حیدری
دکترای اقتصاد از دانشگاه تربیت مدرس- مدیر گروه اقتصاد دانشگاه خلیج فارس





با روی کار آمدن دولت روحانی حقوقدان، انتظار می‌رود که توسعه حقوقی جامعه بر پایه استحقاق شهروندان در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بطور جدی و فراگیر دنبال شود. در این راستا تأکید بر اقتصاد به عنوان مسئله اصلی زندگی شهروندان حائز اهمیت فراوان بوده و ملزومات حقوقی خاص خود را می‌طلبد. برخورداری از آسایش و رفاه متمدنانه که برآیند امنیت اقتصادی و اجتماعی، اشتغال مفید و شایسته، شفافیت و رقابت، ثبات مالکیت و محیط مساعد برای بروز خلاقیت و کارآفرینی است حق مسلم شهروندان در دنیای جدید است که در تعهد حاکمیت خوب و دولت رفاه ملی قرار دارد.

با نگاهی به برنامه‌های دکتر روحانی و ترکیب کابینه ایشان در حوزه‌های اقتصادی پی می‌بریم که وزن اقتصاد و معیشت مردم نزد این دولت در مقایسه با سایر مسائل در منزل و مقام اول است. در این رابطه تأمین فوری نیازهای اساسی مردم، بهبود فضای کسب و کار، مهار تورم ، تولید ثروت ، هدایت سرمایه‌های داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی به منظور توسعه فعالیت‌های مولد، تقویت تولید، ممانعت از انحراف منابع به سمت فعالیت‌های رانت جویانه، تسهیل ارتباطات تجاری خارجی؛ کلیدواژه‌های دولت روحانی در تبیین راهکارها و اهداف اقتصادی‌اش بوده است. هیچ شکی نیست که تمامی تلاش‌ها باید در راستای حفظ منزلت و کرامت شهروندان باشد که ضرورتی به مراتب بالاتر از موضوعات مورد اشاره در بالا را دارد.

پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی دولت روحانی در ماده سوم فصل دوم دست کم در چهار بخش و در قالب ۳۷ بند بطور مستقیم و یا غیرمستقیم به مقوله‌های اصلی حقوق اقتصادی شهروندان پرداخته است: شفافیت و رقابت (در شش بند)، حقوق اقتصادی و مالکیت(سه بند)، اشتغال و کار شایسته و آسایش (سیزده بند) و آسایش، رفاه، حمایت و تأمین اجتماعی (در ۱۵ بند). بخش‌ها و بندهای منظورشده در این پیش نویس به مهمترین مؤلفه‌های و ضرورت‌های بهبود رفاه و کیفیت زندگی شهروندان بر پایه حفظ منزلت و کرامت انسانی آنها پرداخته است.

هرچند در این یادداشت کوتاه مجالی برای بررسی تفصیلی شکل و محتوا، امکان‌پذیری و مکانیزم اجرای این مواد حقوقی وجود ندارد، اما اشاره‌ای گذرا و مقدماتی بر جنبه‌های اصلی شاید خالی از فایده نباشد.

در ادامه اجمالاً اهم عناوین حقوق شهروندان بر حسب بخش‌های چهارگانه فوق مندرج در پیش‌نویس مزبور معرفی و به ضرورت‌های وجودی آنها به لحاظ اقتصادی اشاره می‌شود:

- **شفافیت و رقابت:** در این بخش مواردی از جمله ضرورت انحصارزدائی، دسترسی آزاد شهروندان اطلاعات اقتصادی، هدایت منابع به سمت فعالیتهای مولد با هدف ارتقای بهره‌وری، شناسایی و ممانعت از سوداگری مخرب، دسترسی به کالاهای استاندارد، تأمین امنیت سرمایه گذاری و اعلام عمومی تصمیمات اقتصادی به عنوان حقوق اقتصادی شهروندان شمرده شده‌اند. شکی نیست که این موضوعات از مهمترین مؤلفه‌های یک اقتصاد آزاد و رقابتی محسوب شده و زمینه‌ساز ارتقای بهره‌وری، تخصیص بهینه منابع و بهبود رفاه اجتماعی هستند. انحصارگری باعث کاهش در تولید و اشتغال، ممانعت از ابتکار و خلاقیت و تحمیل هزینه‌های بیشتر بر شهروندان می‌شود. عدم تأمین امنیت سرمایه‌گذاری باعث فرار سرمایه‌ها و انحراف منابع از مسیرهای مولد می‌شود. رانت خواری در سایه انحصار و عدم دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات و عدم آگاهی از تصمیمات اقتصادی دولت ناشی می‌شود. بدین سان عناوین فوق از ضرورت‌های اولیه یک اقتصاد سالم است و دولت موظف است بستر لازم را برای شکل‌گیری آنها فراهم نماید.
- **حقوق اقتصادی و مالکیت :** حق هرگونه تصرف و انتفاع از اموال خود، حمایت از مالکیت معنوی و حقوق ناشی از آن، توازن در دسترسی به فرصت‌ها، امکانات و خدمات عمومی به عنوان مهمترین حقوق شهروندان در این بخش نام برده شده‌اند. نهادینه‌شدن و تأمین حقوق مالکیت از ضرورت‌های اساسی پیشرفت معنی‌دار جامعه در عصر دانایی و از عناصر بنیادی امنیت اقتصادی محسوب می‌گردد. اصولاً شکل‌گیری بستر رقابتی برای توسعه پایدار فعالیت‌های اقتصادی، شناسایی توانمندی‌های ذهنی و بالفعل نمودن استعدادهای افراد برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، مستلزم وجود فضای امن اقتصادی است که باید آن را در یک نظام حقوقی مبتنی بر محترم شمردن و حمایت مؤثر و مطمئن از مالکیت خصوصی بر سرمایه‌های مادی و معنوی آحاد مردم جستجو نمود.
- **اشتغال و کار شایسته و آسایش:** در این بخش نیز انتخاب آزاد شغل، تحقق اشتغال کامل، فرصت‌های برابر و امکان دسترسی به فرصت‌ها، مزد کافی و یکسان برای شغل‌های یکسان، برخورداری از حمایت‌های قانونی و حق تشکیل اتحادیه، آموزش ضمن کار، بیمه بیکاری، برخورداری زنان و شهروندان معلول از شرایط ویژه به عنوان حقوق شهروندان مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این حقوق از مطالبات اصلی نیروی کار در نظام‌های اقتصادی آزاد و رقابتی به حساب می‌آیند. اصولاً بقای نظام سرمایه‌داری غربی و عبور از بحران‌های اجتماعی در اقتصادهای غربی مرهون تمهیداتی است که برای نیروی کار اندیشیده شده است. عناصر مورد اشاره در این بخش از پیش‌نویس حقوق شهروندی دربردارنده همین تمهیدات است. موفقیت یک نظام اقتصادی در بهبود رشد و رفاه فراگیر اجتماعی در گرو برخورداری جمعیت نیروی کار به اطلاعات مناسب برای جستجوی شغل، تأمین اجتماعی مطمئن در طول عمر، عدالت عمودی و افقی در نظام پرداخت دستمزد و پاداش، امنیت شغلی، پویایی و نشاط شاغلین و خانواده‌های آنهاست. ایجاد این شرایط نوعی سرمایه‌گذاری انسانی نامشهود است که در حفظ سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و انسانی جامعه و قرار گرفتن آن در مسیر توسعه پایدار نقش اساسی را ایفاء می‌کند.
- **آسایش، رفاه ، حمایت و تأمین اجتماعی:** برخورداری از مسکن مناسب و تسهیلات لازم جهت تأمین مناسب زندگی، تدارک ایام بازنشستگی و ازکارافتادگی، پوشش خانوارهای بی‌سرپرست، توسعه انواع بیمه‌هارفع تبعیض‌های ناروا، دسترسی آسان به آموزش و پرورش و توانمندسازی گروههای نیازمند از جمله حقوق شهروندان در این پیش‌نویس شناخته شده‌اند. تأمین این حقوق از وظایف اصلی دولت رفاه و معیارهای ارزیابی حکمرانی خوب در عصر "مصرف انبوه" است. اصولاً در نظام‌های مردم‌سالار جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های احزاب رقیب در زمینه چگونگی تأمین حقوق بالا از شاخصه‌های اصلی تصمیم‌گیری شهروندان در انتخاب‌های سیاسی است.

تدوین منشور حقوق شهروندی مطابق با استحقاق‌های شهروندان؛ گام اول در نهادینه شدن مبارزه با ناحقی‌هاست، موفقیت در نهادینه نمودن این حقوق مستلزم برداشتن موفق گام‌های دیگر است که از جمله آنها می‌توان به تقریر سیاست‌ها، راهکارها و مکانیزم‌های اجرایی تضمین‌شده، تقویت نهادهای مدنی مستقل و همچنین هماهنگی سایر قوا با دولت در عملیاتی شدن برخورداری واقعی شهروندان به این حقوق اشاره نمود.

سه حاشیه مختصر بر موضوعات حقوقی فوق:

حاشیه اول) همانگونه که ملاحظه شد، عناوین ذیل حقوق اقتصادی در چهار بخش مورد اشاره تماماً مطلوب جامعه‌ای است که حقوق شهروندی را محترم می‌شمرد. اگرچه عناصر حقوقی فوق در قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه کشور به شکلی جامع آمده است، اما طرح تفصیلی آنها در قالب یک مجموعه حقوقی پیام‌آور رویکرد انسان‌محور دولت یازدهم در برنامه‌های اقتصادی و پیگیری مسئولانه حقوق شهروندان می‌باشد. بدون شک هر چند مسیر بسیار سخت است ولی خواستن و پاسخگو بودن دولت برآمده از رأی شهروندان می‌تواند زمینه‌ساز نهادها و ساز و کارهای تحقق این حقوق باشد، ضمن اینکه باید در این راه شهروندان مسئول و آگاه به حقوق متقابل مردم و دولت نیز در انجام این رسالت خطیر دولت خود را همراهی نموده و بخشی از این بار سنگین را بدوش بکشند.

حاشیه دوم) در اقتصادهای با ساختار غیرآزاد، انحصاری، غیرشفاف و رانتی، ناکارآمدی و فساد بطور انبوه تولید می‌شود و لذا نادیده گرفتن حقوق شهروندان در آنها امری طبیعی است، اقتصاد ایران هم کم و بیش از این عوارض رنج می‌برد. اینجاست که دولت برای ایفای رسالت خود در تحقق عملی و معنادار این حقوق باید دست به اصلاحات ساختاری بزند ازجمله :

- بر وظایف تنظیمی، توزیعی و رفاهی خود تمرکز نموده و از فعالیت و پیمانکاری اقتصادی اجتناب نماید.
- واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی رقابت‌مند در چارچوب روش‌های رقابتی و ممانعت از شکل‌گیری بخش شبه دولتی.
- اصلاح نظام مالیاتی و زمینه‌سازی با هدف وضع بودجه دولت بر پایه درآمدهای مالیاتی در آینده نزدیک.
- صیانت از منابع ملی و نگاه به منابع نفت و گاز به عنوان ثروت ملی و هدایت عواید حاصله در جهت توسعه زیربناها، حمایت از کارآفرینان، تولید ثروت و فناوری.

حاشیه سوم) سخن آخر اینکه تدوین منشور حقوق شهروندی مطابق با استحقاق‌های شهروندان؛ گام اول در نهادینه شدن مبارزه با ناحقی‌هاست، موفقیت در نهادینه نمودن این حقوق مستلزم برداشتن موفق گام‌های دیگر است که از جمله آنها می‌توان به تقریر سیاست‌ها، راهکارها و مکانیزم‌های اجرایی تضمین‌شده، تقویت نهادهای مدنی مستقل و همچنین هماهنگی سایر قوا با دولت در عملیاتی شدن برخورداری واقعی شهروندان به این حقوق اشاره نمود.

نسیم جنوب
هامون ۶۹
شماره ۷۲۵- یک شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

حاکمیت قانون؛ معیاری برای دموکراسی

تاملاتی درباب سلامت اداری، حکمرانی شایسته و حکومت قانون

حمیده ماحوزی
دانشجوی دکتری مدیریت و عضو دو دوره شورای اسلامی شهر بوشهر و مدرس دانشگاه



اصولا در هر جامعه ای در طول تاریخ انسان ها با اهداف گوناگون به ایجاد و تشکیل نهاد قدرت روی آورده اند که عمدتاً حفظ نظم و امنیت به وسیله ایجاد مدیریت واحد بوده است. در جوامع امروزی این مدیریت واحد از مجموعه حقوقی تشکیل می شود که شهروندان برای حفظ نظم و امنیت جامعه به نهادی به عنوان دولت اعطا می کنند. به بیان دیگر مردمی که قسمتی از حقوق و آزادی های خود را در جهت بهتر اداره کردن جامعه به نهاد قدرت می بخشند در صورت عدم نظارت و عدم وجود قانونی فراگیر خود اسیر استبداد این مدیریت می شوند که این موضوع موجب شکل گیری حقوق عمومی و حقوق شهروندی گردیده است.به گونه ای که در هر جامعه ای که حقوق شهروندی و نهاد قدرت با هم برابر باشند و توان کنترل یک دیگر را داشته باشند آرمان دموکراسی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش محقق گردیده است و در صورت عدم تعادل میان این حقوق، جامعه یا دچار استبداد می گردد یا دچار هرج و مرج.

امروزه یکی از معیارهای دموکراتیک یا غیر دموکراتیک بودن یک جامعه را رشد حقوق عمومی و در راس آن رشد اصل حاکمیت قانون می دانند که در منشور حقوق شهروندی (۱) در کنار حکمرانی شایسته و سلامت اداری مورد توجه قرار گرفته است ولی به نظر می رسد اصل حاکمیت قانون خود می تواند محور و مبنای یک منشور حقوق شهروندی باشد و سلامت اداری و حکمرانی خوب و شایسته بدون این اصل شعاری بیش نیست.

تحقق این اصل، سلامت اداری و سیاسی را می تواند در حد اعلای خود تضمین نماید چراکه هر شخص تنها در چارچوب حقوق تعریف شده در قانون می تواند عمل نماید و هیچ مقامی جز در مواردی که قانون صراحتاً آن را به رسمیت شناخته صلاحیتی ندارد و در صورت تخلف نیز مطابق قانون مورد تعقیب قرا ر خواهد گرفت و هیچ شخص یا مقامی در برابر این امر مصون نیست مگر بر اساس قانون و آن هم در موارد خاص و برای حفظ حقوق جامعه که اصولا جز برای نمایندگان شهروندان و آن هم در موارد خاص متصور نمی باشد.

امروزه در قوانین اساسی اکثر کشورهای دنیا حقوق بشر و حقوق شهروندی جایگاهی خاص دارد و در ایران نیز قانون اساسی درفصل سوم، حقوق ملت را به تفصیل برشمرده و با توجه به تضمین حقوق مزبور و رای آری ملت ایران، مشروعیت یافته است. اینک که دولت ایران براساس سوگندی برای حفاظت و پاسداری از حقوق اساسی شهروندان یاد کرده، برآن است که با انتشار منشور حقوق شهروندی، ضمن آگاه ساختن شهروندان به حقوق حقه خود بار دیگر به تعهد و التزام خود نسبت به اجرای آن تاکید کند و ما نیز این امر را به فال نیک میگیریم اما باید توجه داشت که تضمین این حقوق و اجرایی شدن آن در گرو مطبوعات آزاد و احزاب آزاد و رشد نهادهای غیردولتی و توسعه وزارت خانه های متولی امر آموزش و فرهنگ است تا بتوانند با رشد آگاهی عمومی شهروندان را از حقوق خود آگاه سازند و همچنین حضور مسئولان نقد پذیر در جامعه نقش بسزایی در این امر دارد.

در خاتمه باید یادآور شد شاید به قول سقراط عدالت به معنای اجرای قانون باشد اما اعتقاد دارم آرمان عدالت به معنای احساس عدالت در جامعه توسط شهروندان است و منشور حقوق شهروندی و قانون اساسی در کنار عزم راسخ دولت تدبیر و امید و شهروندان آگاه و روشنفکر می تواند عدالت و یا به عبارت دیگر احساس عدالت را در میان شهروندان ایجاد و ساختار دموکراسی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را تقویت نماید.

(۱) مفاد مندرج در منشور حقوق شهروندی درباب موضوع "سلامت اداری، حکمرانی شایسته و حکومت قانون" به شرح ذیل می باشد:

۳-۳۵- اداره شایسته جامعه و رعایت آن از سوی مقامات اداری و اجرایی در راستای منصفانه کردن تصمیمات اداری،رعایت الزامات حکمرانی شایسته، حمایت از کرامت شخصی، تقویت مشارکت شهروندان، تقویت موجه سازی تصمیمات اداری و بهتر کردن کیفیت پیامدهای تصمیمگیری اداری به عنوان خط مشی دولت اعلام می گردد. همچنین به منظور حمایت از حقها، شایستگیها و امتیازات شهروندان در برابر خودسریهای مقامات اداری و تضمین ساختارهای نظام اداری مطلوب، قانونمدار، مناسب، کارا، منعطف، بهره ور، پاسخگو، شفاف، اخلاقی و عاری از هرگونه فساد، تبعیض و جانبداری، باید در سرلوحه برنامه های دولت قرار گیرد.

۳-۳۶- اتخاذ هر تصمیم و اقدام اداری که حقوق، منافع و آزادیهای شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد، باید مبتنی بر مصلحت عمومی و در چارچوب قانون باشد.

۳-۳۷- دولت موظف است تدابیر و اقدامات لازم را جهت به مورد اجرا درآمدن حقوق عمومی پیش بینی شده در قانون اساسی اتخاذ نماید.

۳-۳۸- دولت موظف است زمینه ارائه خدمات عمومی به صورت برابر، منصفانه و در کوتاهترین زمان ممکن، توسط نهادها و مؤسسات عمومی را فراهم نماید.

۳-۳۹- مراجع عمومی باید در روابط خود با شهروندان، خدمتگزاری پاسخگو، مودب، دقیق، صادق، امین، گشاده رو و قابل دسترس باشند و در جواب دادن به مکاتبات و مکالمات تلاش نماید تا حد امکان در حیطه صلاحیت خود کمک کنند و جواب سوالات مطرح شده را به نحو مطلوب و مناسب و در صورت درخواست متقاضی به صورت مکتوب ارائه بدهند.

۳-۴۰- مقامات اداری مکلف به تأمین انتظاراتی هستند که خود آن را ایجاد کرده اند. این انتظارات میتواند ناشی از اعلامات، مقررات، رویه ها، رفتارها، و حتی وعدههایی باشد که به مردم داده اند، تا حدی که مردم به آنها اعتماد و اتکاء کرده اند و برمبنای آنها زندگی شخصی یا تجاری خود را تنظیم نموده اند. مقام اداری نمیتواند به ناگاه از رویه هایی که خود ایجاد به رویه ها و «مرحله گذار» کرده عدول کند و در صورت تمایل به تغییر آنها مکلف به اعلام قبلی سیاستها و پیش بینی سیاستهای جدید است.

۳-۴۱- شهروندان حق نقد، نظارت و اطلاع از عملکرد دستگاههای اجرایی را در چارچوب قوانین دارند. دولت مکلف است نقدپذیری را در دستگاههای اجرایی نهادینه کرده و راهکارهای اطلاع رسانی و شفاف سازی عملکرد خود را در مقررات و رویه ها پیش بینی کند.

حیات، سلامت و زندگی شایسته

مفاد مندرج در بخش "حیات، سلامت و زندگی شایسته" منشور حقوق شهروندی به شرح ذیل می باشد:

۳-۱- شهروندان از حق حیات برخوردارند. هیچ شهروندی را نمی توان از حق حیات محروم ساخت، مگر براساس حکم دادگاه های صالحی که بر مبنای موازین قانونی تشکیل و صادر شده و اصول دادرسی عادلانه در آن رعایت شده باشد.

۳-۲- بهره مندی از زندگی شایسته از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان مناسب از حقوق شهروندان محسوب می شود.

۳-۳- دستگاه های اجرایی موظف اند در چارچوب قوانین و مقررات تمامی اقدامات لازم برای افزایش سطح سلامت عمومی، حفظ حقوق بنیادین حیات، شرایط مطلوب برای زندگی، سلامت و بهداشت، کاهش میزان مرگ و میر اطفال و افزایش طول عمر شهروندان، دسترسی آسان، ارزان و گسترده به درمان، دارو، تجهیزات و کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با استانداردهای ملّی و تامین و ارتقای سلامت افراد، شرایط زیست سالم و مطلوب برای ادامه زندگی را به عمل آورند. دولت ملزم است تا با نظارت بر مراکز درمانی حصول شرایط بهتر درمانی را فراهم سازد.

۳-۴- شهروندان از حق بهره مندی از سلامت جسمی و معنوی برخوردار می باشند.

۳-۵- شهروندان حق دارند از محیط زندگی و کاری ایمن و عاری از آسیب های جسمی و روحی به آنان، برخوردار باشند.

۳-۶- دولت موظف است زمینه بهره مندی تمامی شهروندان را از کلیه شقوق تأمین اجتماعی، خدمات و حمایت های مالی و اعتباری مربوط در موارد بیماری، معلولیت، بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بیسرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح غیرمترقبه، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره را به عنوان حقی همگانی با رعایت قانون فراهم نماید.

۳-۷- شهروندان از حق دسترسی به مراقبت های بهداشتی و درمانی مناسب برخوردارند.

۳-۸- شهروندان بایستی از زندگی شاد همراه با امید به آینده ای بهتر از بدو تولد و در همه محیط های اجتماعی برخوردار شوند.

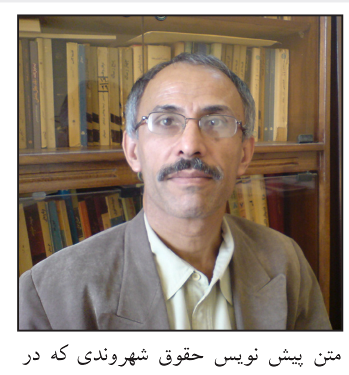


۳-۹- دولت موظف است با انجام تدابیر لازم، زمینه برخورداری از وضعیت و امکانات کافی برای برگزاری مراسم و برنامه های مفرّح و برپایی جشن های ملّی و مذهبی، اجرای برنامه های تفریحی، مسافرتی، گردشگری، اقامت در سکونتگاه های طبیعی، سفرهای ارزان، فرصت مطالعه، پرداختن به کارهای ذوقی، ادبی، هنری و سرگرمی را برای شهروندان فراهم نماید.

۳-۱۰-شهروندان از حق آزادی، امنیت فردی، روانی، شغلی، فرهنگی، اجتماعی، سرمایه گذاری، زندگی با ثبات، نظم و تمامی دیگر مصادیق قانونی و عرفی امنیت، برخوردار هستند. این حق قابل سلب شدن نیست و محدود شدن آن، تنها به موجب قانون امکان پذیر است.

آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات در منشور حقوق شهروندی

خلیل موحد
مدرس دانشگاه و عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران



متن پیش نویس حقوق شهروندی که در چارچوب وعده های انتخاباتی حسن روحانی و پس از انتخاب ایشان به ریاست قوه ی مجریه، توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری تهیه شده و برای اظهار نظر در اختیار افکار عمومی قرار گرفته، گرچه در کادر رفتار بر وفق وعده ها (تدوین حقوق شهروندی)، گامی به پیش محسوب می شود؛ ولی این که آیا سرانجامش از نظر محتوا و سازگاری درونی و به خصوص از جنبه ی عملیاتی شدن ختم به خیر خواهد گشت و یا به سرنوشت دردناک اصول مربوط به حقوق ملت مندرج در قانون اساسی و نیز قانون حقوق شهروندی مصوبه ی مجلس ششم دچار خواهد شد. باید با امید به آینده، سیاست صبر و انتظار پیشه کرد؛ زیرا بزرگی سراسر به گفتار نیست: دوصد گفته چون نیم کردار نیست. نگارنده اما در این نوشتار قصد واکاوی شکلی و محتوایی این منشور بلندبالا که نیازمند بررسی و تحلیلی مفصل است نداشته، بلکه در پی آن است که بخش مربوط به «آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات» را به اختصار مورد مداقه قرار دهد.

در این منشور که هشت بند از ماده ی سه آن (۱۱-۳ تا ۱۸-۳) به دفاع از آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات اختصاص یافته، آزادی ابراز، ترویج و انتشار اندیشه ها و عقاید به هرصورت که شهروندان خود انتخاب کنند ولی با رعایت قانون به رسمیت شناخته شده است. تفتیش عقاید ممنوع اعلام شده و کسی را نمی توان به داشتن اندیشه ای خاص مجبور و یا منع کرد. انتشار آفرینش های فکری، ادبی و هنری در هر شکل و ساختار رسانه ای در قالب ضوابط قانونی اعلام شده آزاد است.

تمامی ارکان حاکمیت وظیفه ی حمایت، حفاظت و احترام به تنوع های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در راستای حفظ آزادی رسانه دارند و دولت باید زمینه ی تشکیل و فعالیت رسانه های آزاد و مستقل را فراهم سازد. همه ی مردم حق دسترسی آزاد به تمامی رسانه ها و منابع اطلاعاتی را در چارچوب قوانین دارند. دولت به آزادی نشریات و مطبوعات و تمامی رسانه های دیگر از هر نوع در صورتی که مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشند در چارچوب قانون احترام می گذارد. روزنامه نگاران و رسانه ها نباید در جمع آوری و انتشار اطلاعات و مطالب خود با تهدید و مجازات مواجه شوند. نهادهای دولتی یا تحت کنترل دولت، در چارچوب قوانین و مقررات، نباید مانع آزادی دسترسی رسانه ها با اطلاعات مورد نیاز آنان شود. دولت مکلف است زمینه ی قانونی لازم برای تأمین استانداردهای شغلی برای اصحاب رسانه از جمله اقدامات رفاهی و ...، تأمین پوشش حمایتی در برابر فشارهای ناروا، تضمین دستمزد مناسب، عادلانه و بدون تبعیض فراهم نماید. معیشت اقتصادی کارکنان رسانه ها نباید به وسیله ی دولت و نهادهای تحت کنترل دولت، تهدید شود.

درباره ی موارد پیش گفته در منشور که وعده ی اجرای آن داده شده، نکات مهم ،کلید واژه ها و برش های مبهم و قابل تأملی وجود دارد که در این جا در هیأتی بسیار فشرده نکته ای را در باره قانون یادآور می شوم

در متن یادشده، گرچه ممنوعیت تفتیش عقاید، هم چنین حمایت، حفاظت و احترام ارکان حاکمیت به تنوع های سیاسی و...، و نیز وظیفه ی دولت برای تأمین استانداردهای شغلی اصحاب رسانه، نه در حدود قانون بلکه به طور مطلق آمده؛ اما عملیاتی شدن آزادی اندیشه، بیان، عقاید، مطبوعات و دیگر رسانه ها، دسترسی آزاد به تمامی رسانه ها و... مقید و مشروط به رعایت قانون و چارچوب ضوابط و مقررات شده است. این که ظهور و بروز عینی پدیده های فوق باید ضد نظم



خردمحور نبوده و به حقوق دیگران آسیب نرساند و روشمند باشد بحثی نیست؛ اما اگر خود قوانین و مقررات دارای ضعف ها و نقصان های ریز و درشت قالبی و یا ماهوی بوده به نحوی که به صورت خرد و یا کلان آزادی های مذکور را تهدید و یا منکوب کند، آن گاه چه باید کرد؟ بنابراین، درگام نخست، باید تمام قوانین و مقررات شمایلی شکیل (روشن و خالی از ابهام و تعارضات درونی) و ساختاری از هر نظر عادلانه، دمکراتیک، ناشی از اراده ی ملت و مبتنی بر حفظ کرامت و حقوق و آزادی فردی و اجتماعی شهروندان در مناسبات میان دولت(حاکمیت)- ملت و ملت- ملت داشته باشد. البته پر واضح است که گرچه داشتن قانون عادلانه، دمکراتیک، مترقی و حافظ حقوق همه ی مردم با هر آیین و مذهب و مسلک (ساختار حقوقی) شرط لازم برای بهروزی یک جامعه است اما شرط کافی نیست؛ زیرا تا زمانی که عموم مردم و در رأس آن ها، فرادستان، اصحاب قدرت، ثروت و امکانات- که به علت داشته های مشروع و یا نامشروع خود (زور، پول، اطلاعات و رسانه) ، بیشتر از مردم عادی و فرودست استعداد نقض و هیچ انگاشتن قانون داد و دمکراتیک و حقوق بشری و نیز تاراج خزانه و اموال عمومی را دارند، تغییر و تحولی رو به جلو و بالنده در بینش، منش و روش خود (ساختار و رفتار حقیقی) خلق نکرده و تمامی ملت را شهروند درجه یک و در عمل صاحب حقوق ندانسته و خود را موظف به رعایت حقوق تمام مردم و پاسخگویی به آنان ندانند، زیباترین قانون ها نیز جز لقله ی زبان و یا کاغذپاره ای مدفون در بایگانی ها نخواهد بود. و در نتیجه، سودای تعالی عمومی داشتن توهمی بیش نیست.

از سوی دیگر ما در کشور به طور کلی با دو قسم قانون مواجه ایم. ۱- قوانین نوشته که شامل: قانون اساسی، قوانین عادی مصوبه ی مجلس و مصوبات،آیین نامه ها(شیوه نامه ها) و بخش نامه های هیأت وزیران و یا وزارتخانه ها و سازمان های وابسته به قوه ی مجریه و یا قوه ی قضاییه می شود. ۲- قوانین نانوشته که نه در قانون اساسی نام و جایگاهی دارند و نه مصوبه ی مجلس اند ولی در ساخت قدرت بسیار پر نفوذ بوده و کاربرد دارند. فرهنگ و آداب و رسوم مردم را نیز می توان بخشی از قوانین نانوشته اما تأثیر گذار دانست. به باور نگارنده کار فوری و عملی رییس جمهور و هیأت وزیران و وزارتخانه ها و سازمان های زیر نظر وی این است که در اجرای وعده های خود که دراین بخش از حقوق شهروندی آمده،نسبت به لغو و یا اصلاح مصوبات،آیین نامه ها و بخشنامه های مغایر با حقوق شهروندی و تصریحات قانون اساسی در باب حقوق ملت اقدام کرده و آن را با قاطعیت در قوه ی مجریه به اجرا درآورد. قوه مجریه باید در قلمرو خود پیشتاز مبارزه با نقض حقوق ملت باشد و از دست اندازی مأموران خود به جان و مال و حیثیت مردم جلوگیری کند.

کلی بودن مفاهیم در حوزه رفاه

تاملاتی انتقادی بر بخش رفاه اجتماعی در منشور حقوق شهروندی

عباس جاودانی
کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری



یکی از ارکان مهم جامعه مدنی مساله حقوق شهروندی است. علیرغم تاکید به رعایت حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی اما هنوز بیشتر موارد آن جنبه اجرایی پیدا نکرده است. نظر به اهمیت این موضوع رئیس جمهور تحول خواه کشورمان در اقدامی تحسین برانگیز از تهیه و تنظیم متن پیشنهادی حقوق شهروندی خبر داد. این پیش نویس که توسط معاونت حقوقی رئیس جمهوری و با همکاری مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری تهیه شده شامل یک مقدمه و سه فصل می باشد. اولین نکته مهم، فراخوان رئیس جمهور از عموم مردم و بخصوص صاحبنظران، جهت مطالعه و نقد منشور برای تدوین نهایی آن می باشد. دراین پیش نویس به حقوق انسانی جامعه ایرانی از منظر فرهنگ اسلامی، دیدگاه امام خمینی(ره)، آیت اله خامنه ای و قانون اساسی کشور توجه شده است. مهمترین حقوق شهروندی منشوردر فصل دوم آمده و یکی از موارد آن آسایش، رفاه، حمایت و تامین اجتماعی است. به عبارتی دولت وظیفه خود می داند که بستر لازم برای خوشبختی آحاد جامعه را فراهم نماید. اهداف و برنامه های ذکر شده در این بخش از منشور از نظر تئوریک مطلوب اما با واقعیت ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان فاصله زیادی دارند. توجه ویژه به گروه های آسیب پذیر مانند خانواده های بی سرپرست، معلولان، روستائیان، ازکارافتادگان و رفع تبعیض میان شهروندان فارغ از رنگ، جنس، دین و مذهب در استفاده از خدمات گوناگون از موارد برجسته این منشور می باشند. مواردی مانند: مسکن مناسب برای همه اقشار جامعه- دسترسی آسان و استفاده عادلانه همه افراد به آموزش و پرورش ،کتابخانه ها، مراکز بهداشتی و درمانی- پوشش بیمه کامل برای همه و... به منظور دستیابی شهروندان به رفاه اجتماعی در این پیش نویس مطرح شده است. هرچند که امروزه این موارد در کشورهای پیشرفته جزء نیازهای ابتدایی است و از دغدغه های اصلی شهروندان محسوب نمی شود ولی با توجه به ساختار توسعه کشور، فراهم آوردن این امکانات و استفاده عادلانه شهروندان از آن یک ضرورت می باشد. پرسشی که ممکن است مطرح شود اینکه؛ آیا صرف برخورداری عادلانه از امکانات و تامین اجتماعی، ضامن رفاه افراد جامعه خواهد بود؟ قطعا جواب منفی است و باید به موازات این امکانات مادی، شرایط تامین نیازهای معنوی(آزادی بیان، مشارکت در سرنوشت خود و..) شهروندان را نیز فراهم کنیم تا بتوانیم به معنای واقعی آسایش و رفاه اجتماعی را در جامعه داشته باشیم. پاشنه آشیل منشور، ضمانت



اجرایی و کلی بودن مفاهیم مربوط به رفاه اجتماعی است . مثلا آن جایی که گفته شده « دولت موظف است زمینه ای را جهت فقرزدایی و برخورداری از شرایط مناسب زندگی فراهم نماید یا شهروندان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام و قانون برخوردارند». بسیار کلی گویی است و اجرای چنین برنامه هایی بدور از ذهن و زمان بر می باشند. برای اجرایی شدن برخی مفاد آن، تصویب قانون لازم است که قانونگذاری نیز در حیطه وظایف دولت نیست. شاید بهترین راه برای رسیدن به آسایش و رفاه ابتدا تقویت بنیه اقتصادی جامعه و سپس فرهنگ سازی باشد که این هم عزمی فراتر از کارکرد دولت می طلبد. در این منشور یکی از راهکارهای دولت جهت رسیدن افراد جامعه به رفاه اجتماعی توجه به بیمه است که سازو کار بیمه خود در کشور با مشکلاتی روبروست. بعنوان نمونه در کشورهای پیشرفته همه افراد جامعه از پوشش کامل بیمه ای برخوردارند ولی در کشورمان اولا همه از این چتر حمایتی برخوردار نیستند؛ ثانیا همان افراد بیمه شده نیز فاقد پوشش بیمه ای کامل هستند. به عقیده نگارنده در صنعت بیمه کشور باید انقلابی صورت گیرد تا اهداف ذکر شده در منشور محقق گردد. کلام آخر اینکه از بدو آفرینش بشر، آن ها در سراسر این کره خاکی به دنبال حقوق خود بوده اند ولی همواره سدی به نام حکومت مقابل آن ها قرار داشته است. آزاد مردان ایرانی نیز با پرداخت هزینه های هنگفت که نمونه اخیر آن خون هزاران شهیدی که تقدیم انقلاب شده همیشه به دنبال حقوق خود بوده اند. تدوین منشور حقوق شهروندی و اجرایی شدن آن از خواسته های بحق ملت ایران است که خوشبختانه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مردم و مسئولین به دنبال آن بوده اند. اهتمام دولت یازدهم نسبت به این موضوع را به فال نیک می گیریم و برای موفقیت آن تلاشی مضاعف خواهیم داشت.

خانواده، زنان، کودکان، کهنسالان

تاملاتی انتقادی بر منشور حقوق شهروندی

مهتا بذرافکن
دانشجوی دکتری جامعه شناسی (مسائل اجتماعی) در دانشگاه شیراز و هیئت علمی دانشگاه پیام نوربوشهر



در همه ادیان آسمانی از جمله اسلام اصل بر این است که جامعه باید در همه ابعاد مادی و غیر مادی برای همه انسانها صرف نظر از جنس و سن و اعتقاد و طبقه اجتماعی شان حق حیات و بالندگی و تعالی در نظر بگیرد و این اصلی ترین حق شهروندی است. شهروند یعنی «انسان صرف نظر از جنسیت » نه فقط گروهی از انسانها، و وقتی صحبت از حقوق شهروندی می شود هر یک از این شهروندان که در زیر گروههای خاص خود جای می گیرند دارای مسایل خاص حوزه خود هستند، شهروند کودک، شهروند زن، شهروند مرد، شهروند معلول و ... با چه رویکردهایی در این منشور مطرح شده اند. چرا خانواده و زنان در کنار هم و بدون ذکر نام مردان آورده شده، آیا مهمترین مساله در خانواده رابطه زن و مرد نیست؟ اگرچه این ابهامات در این منشور دیده می شود، اما فرصت مناسبی برای مطرح کردن مفهوم همه جانبه شهروند در حوزه عمومی است. مساله اصلی که در این منشور دیده می شود این است مطرح کردن زنان، کودکان، سالمندان در یک ردیف یک نگرش گروهی است یا فردی؟ در این منشور کودکان و سالمندان بر حسب پارامتر سن و زنان بر حسب پارامتر جنس مجزا شده اند. اما از نظر شکلی این گروهها از هم فاصله زیادی دارند، در علوم اجتماعی و سیاست گذاری اجتماعی گروه ها بر اساس پارامترهای مختلف نظیر سن، جنس، طبقه اجتماعی و ... گروهبندی می شوند و برای این گروهها بر اساس ویژگی های خاص شان تسهیلاتی مطابق با نیازهای جسمی و روحی در نظر گرفته می شود. نکته مهم دیگر این است که این منشور همان رویکرد سنتی قانون اساسی به زنان را حفظ کرده و در جاهایی با قانون اساسی در تناقض است. مثلا : در انتخاب شغل، همسر و نیز در بحث شناسنامه کودک، این موارد افتراق دیده می‌شود. و همچنین به نیازهای روز زنان توجهی نشده؛ نگاه به حق مسافرت و داشتن گذرنامه به‌عنوان یک حق شخصی و انسانی، همان نگاه پیشین است و نیزحقوقی مانند حق استفاده از بورس تحصیلی و امکانات آموزشی هم اساسا در این منشور برای زنان تعریف نشده است، متاسفانه در این منشور حقوق زنان با پرداختن به نقش زنان در خانواده به عنوان زن باردار، شیرده و و یا زن سرپرست خانوار و زنان خانه دار تقلیل پیدا کرده است. هرچند این موارد هم از حقوق زنان است اما مفهوم حق شهروندی باید به صورتی جامع و همه جانبه به زنان بنگرد و باید به آنها در ساختار نظام توجه شود نه به نقش های جنسیتی آنها و اساسا باید هرکجا به مردان پرداخته می شود به زنان هم پرداخته شود. چرا که طبق اصول مترقی قانون اساسی که برگرفته از شریعت اسلام است زن و مرد مساویند و جنسیت به هیچ عنوان آنها کسی را از حقوق خویش محروم نمی کند. آنچه که مسلم است این منشور گامی به جلو در جهت تحقق مردم سالاری دینی است. اما به نظر می رسد که این منشور بیشتر از آنکه جنبه عملی داشته باشد، آرامانگرا است. حق شهروندی یک حق عملی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای شهروندان است و باید طوری برنامه ریزی شود که امکان اجرا و عمل به آن وجود داشته باشد و همه این ابعاد را به طور جامع پوشش دهد. در این راه می بایست از صاحب نظران و متخصصان هر حوزه استفاده کرد و البته یکی از منابع مهمی که در طی سالهای اخیر به بررسی مسایل پنهان خانواده، زنان و سالمندان و کودکان پرداخته است تحقیقات دانشگاهی است که گاه پرده از لایه های زیرین مشکلاتی بر می دارد که سالهای متمادی در ساختار جامعه نفوذ کره است و بروز آن نتیجه نبودن حق شهروندی است، با توجه به پژوهش های دانشگاهی که در رابطه با بررسی مشکلات این گروهها انجام شده رجوع شود و این مسایل و مشکلات پنهان بررسی شده و راهکارهای عملی و حقوقی برای آن اندیشیده شود.

هامون ۶۹
شماره ۷۲۵- یک شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

بی‌دولت‌ها، پناهندگان و مسئله ملیت:
پارادوکس‌های حقوق بشر

حسام سلامت
نویسنده و کارشناس ارشد جامعه شناسی



اول. به موازات شکل‌گیری دولت–ملت‌های مدرن از قرن نوزدهم به بعد، مسئله‌ای پیش آمد که اساساً محصول خود سازوکارهای این شکل‌گیری بود: مسئله‌ی «بی‌دولتی» (statelessness) و افراد بی‌دولت، مسئله‌ی افرادی که با وجود سکونت در یک قلمرو سرزمینی مشخص و زاده‌شدن در محدوده‌های آن به دلایل مختلف به تابعیت دولتِ حاکم در نیامدند و درون دم‌ودستگاه‌های اداری آن ثبت و ادغام نشدند و از همین رو فاقد اسناد و اوراق هویتی بودند و به دلیل همین فقدان هویت حقوقی اساساً از نظر دولت وجود نداشتند. با این وصف، پدیده‌ی بی‌دولتی در عمل چیزی کمتر از مسئله‌ی نا– شهروندی نیست، به این دلیل ساده که شهروندبودن مستلزم تابعیت یک دولت است و جایی که تابعیتی وجود نداشته باشد هیچ حقی هم در کار نیست. به بیان دیگر، مسئله‌ی بی‌دولتی در عمل مترادف محرومیت از همه‌ی حقوق اجتماعی است، از حق تحصیل و برخورداری از دیگر خدمات اجتماعی گرفته تا حق کسب و کار قانونی و شرکت در انتخابات و خیلی چیزهای دیگر. و همه‌ی مسائل به همین پیوندخوردگی تابعیت و حق مربوط می‌شود، به اینکه برای شهروندبودن به ناگزیر باید عضو یک دولت بود. و این موضوع مستقیماً پای پارادوکس‌های «حقوق بشر» را وسط می‌کشد.

دوم. بند اول اصل پانزدهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مدعی است: «هر کسی حق دارد یک ملیت داشته باشد». فارغ از هر چیز، همین «حق به ملیت»، همین حق برخورداری از یک ملیت خود گواه روشنی است بر اینکه مفهوم ملیت اساساً مفهومی «طبیعی» و صرفاً وابسته به واقعیت طبیعی زاده‌شدن نیست، چراکه اگر ملیت پیوندی درونی و ذاتی با تولد می‌داشت در آن صورت هر فردی پیشاپیش و در هر شرایطی، «طبیعتاً»، صاحب ملیت می‌بود. و حال آنکه می‌دانیم چنین نیست. با این اوصاف ملیت‌داشتن مستلزم چیست؟ پاسخ روشن است: تابعیت یک دولت. آنکه تابعیتی ندارد فاقد ملیت است و ملیت‌نداشتن همان و شهروندنبودن و محروم‌شدن از حق، همان. و درست همینجاست که روشن می‌شود چرا «حق به ملیت» نه تنها باید یکی از مفاد «حقوق بشر» که دست بر قضا بنیادی‌ترین این حقوق باشد: حقی که همه‌ی دیگر حق‌ها مسبوق و مشروط به آن‌اند همین حقِ به ملیت و دولت‌داشتن است، یعنی حق شهروندبودن. فردی که ملیتی ندارد، فردی که ذیل حاکمیت هیچ دولتی نیست، فاقد تابعیت است و شأنیت یک شهروند را ندارد – همان انسانِ بماهو انسان، همان انسان «طبیعی»، همان «بشر» – اساساً فاقد حق است: حق‌داشتن مستلزم شهروندبودن است و صرفاً آن کسی که ملیتی دارد و تابعیت دولتی را پذیرفته است، می‌تواند شهروند باشد. و درست همینجاست که باری دیگر با مسئله‌ی «بی‌دولت‌ها»ی فاقد اوراق شناسایی به مثابه‌ی افراد فاقد ملیت، به مثابه‌ی نا– شهروندان، به مثابه‌ی آنهایی که اساساً حقی ندارند مواجه می‌شویم. به تعبیر دیگر آنهایی که به معنای دقیق کلمه مصداق مفهوم «بشر» هستند همان‌هایی‌اند که از «حقوق بشر» محروم مانده‌اند. علاوه بر «بی‌دولت‌ها» اوضاع و احوال «پناهندگان» (Refugees) نیز، با اینکه این دو از حیث تعریف اساساً متفاوت از یکدیگرند، کم‌وبیش از همین قرار است. پناهنده، برخلاف بی‌دولت که از آغاز فاقد ملیت است، کسی است که ملیت‌اش به حالت تعلیق درآمده است. از این حیث او ساکن موقعیتی مرزی است: از یک طرف ملیت سابق خود را به هر دلیلی ترک کرده و از طرف دیگر در پی ملیتی جدید است. و همه‌ی مسائلی که پناهنده با آن دست به گریبان است در همین وضعیت بینابینی او، در همین موقعیت تعلیق‌یافته، ریشه دارد. آوارگی و سرگردانی پناهندگان، همین قرن بیستم را هم اگر صرفاً مبنا قرار دهیم، بر چیزی کمتر از پیوند درونی تابعیت سیاسی و حق‌داشتن گواهی نمی‌دهد: تنها کسانی که درون قلمرو یک دولت ادغام شده‌اند واجد حق‌اند و درست به همین دلیل اساساً چیزی چون «حقوق طبیعی»، حقوقی که صرفِ انسان‌بودن برای برخورداری از آن کفایت کند، وجود ندارد. از همین حیث «حقوق بشر» در واقع، و به تعبیر درست، «حقوق شهروند» است. تفاوت بشر با شهروند دیگر باید تا اینجا روشن شده باشد: بشر همان انسان عام است، انسان کلی، انسان بماهو انسان، انسان طبیعی، انسان فارغ از هر ویژگی و ممیزه‌ی سیاسی و نژادی و زبانی و ایدئولوژیک. شهروند اما «فرد سیاسی» است، همان انسانِ دارای تابعیت و عضوشده در یک دولت و از این رو، «انسان حقوقی». پناهنده از آن حیث که با تابعیتی مُعلق و ملیتی در تعلیق دست به گریبان است، همچون فردِ بی‌دولت، به ساحت حیات انسانیِ صرف تقلیل یافته است، به ساحتی که جز واقعیت کلی و طبیعی انسان‌بودن هیچ چیز دیگری در کار نیست. از این رو پناهنده برای برخوردارشدن از حق، برای شهروندشدن، به ناگزیر یا باید درون یک دولت ادغام شود و تابعیت جدیدی را بپذیرد و یا به تابعیت گذشته‌اش برگردد و حاکمیت دولت قبلی‌اش را بپذیرد. او نمی‌تواند در وضعیتی فاقد تابعیت و ملیت‌زدوده، در وضعیتی که فقط و تنها فقط یک انسان است، به سر برد: سرنوشت «پناهنده در مقام بشر» چیزی جز آوارگی نیست. واقعیت کتمان‌ناپذیر وجود پناهندگان آواره‌ای که تا زمانی که صرفاً به ساحت «انسان» تعلق دارند فاقد حقوق‌اند و افراد بی‌دولتی که تا وقتی تابعیتی ندارند نه به حساب می‌آیند و نه به رسمیت شناخته می‌شوند، خودِ انگاره‌ی حقوق بشر را از درون واسازی می‌کند و مسئله‌داربودن این حقوق را، در مقام حقوقی که بیش از آنکه به بشر یا انسان راجع باشد به شهروند نظر دارد، عیان می‌کند.

سوم. در عصر حاکمیت دولت– ملت‌ها مقوله‌ی حقوق بشر از اساس پارادوکسیکال است. راه‌حلی اگر وجود داشته باشد قاعدتاً باید ناظر بر فراروی از نظم جهانی– سیاسیِ مبتنی بر دولت‌های ملی باشد. این اما داستان دیگری است.

اقلیت ها / اقوام و روستا / عشایر

مفاد مندرج دربخش "اقلیتها و اقوام" منشور حقوق شهروندی به شرح ذیل می باشد:

الف) احترام به تنوع فرهنگی، مذهبی، زبان و قومی شهروندان تکلیف دولت است.

ب) برگزاری و حضور در مراسم مذهبی ادیانی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شدهاند، آزاد است.

مفاد مندرج در بخش "روستا نشینان و عشایر" منشور حقوق شهروندی به شرح ذیل می باشد:

الف) شهروندان روستانشین و عشایر باید از درآمد کافی و کیفیت زندگی مناسب و منطبق با حداکثر امکانات مقدور، حقابه، حق بهره برداری از اراضی کشاورزی، حق بکارگیری و استفاده و اشتغال در صنایع دستی و خدمات گردشگری، حق زارعانه و از حق بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن سازی محیط روستا برخوردار باشند.

ب) دولت مکلف است تمهیدات لازم برای ایفای نقش مسولانه عشایر و روستانشینان در توسعه کشور را فراهم نماید و از توانمندی ها و ظرفیت های آنان به نحو مطلوب استفاده نماید.



حقوق شهروندی، خیر عمومی، جامعه کریستالی

مصطفا مهرآیین
نویسنده، دکترای جامعه شناسی و مدیر موسسه مطالعاتی رخداد تازه



۱–دانیل کمیس در اثر برجسته خود با نام «جامعه و سیاست مکان» معتقد است قانون اساسی آمریکا در فضای فکری به نگارش درآمد که در آن دو بینش فلسفی در حال منازعه با یکدیگر بودند: بینش مشارکت جویانه توماس جفرسن و فدرالیسم جیمز مدیسون. به اعتقاد کمیس، جفرسن آغازگر دیدگاهی در سیاست بود که تاکید بسیار بر کنش متقابل شهروندان داشت.جفرسن اعتقاد قوی به روابط چهره به چهره مردم و نقش آن در حل مشکلات جامعه داشت. او معتقد بود مردم قادرند از طریق آموزش به ورای منافع شخصی خود بروند و به تامل در خیر عمومی بپردازند.او معتقد بود مردم قادرند از شرایط خود آگاه باشند، به توان ذهنی خود در حوزه اعتقاد و به توان اراده خود در حوزه عمل ایمان داشته باشند، بر روی یکدیگر گشوده باشند، شرایط دیگری را شرایط خود بدانند، از یکدیگر لذت ببرند، همدیگر را صدا بزنند، با همدیگر کار کنند، با همدیگر رنج ببرند و همچون اعضاء یک جسم تعهدات خود نسبت به همدیگر را در مقابل چشمان خود داشته باشند. ازاینرو، او معتقد به نوعی سیاست بود که مبتنی بر واحدهای سیاسی کوچک و محلی باشد آنچنان که مردم را قادر سازد در پیوند با یکدیگر در مسیر دستیابی به خیر عمومی تلاش کنند و بیاندیشند. در سوی دیگر اما جیمز مدیسون معتقد بود چون مردم اهداف فردی و شخصی خود را دنبال میکنند و قادر به فراتر رفتن از خواسته های فردی خود نیستند، حکومت قادر خواهد بود همچون یک مکانیسم تعادل بخش همه را در مسیر دستیابی به خواسته هایشان کمک نماید. مدیسون باور قوی به نقش ماشین حکومت– ماشینی که با انرژی و توان درونی خود حرکت می کند و نیازی به سوخت جامعه و مشارکت مردم ندارد– در مدیریت جامعه و اداره آن داشت.او معتقد به وجود یک حکومت گسترده بود که در آن مردم نیازی به داشتن احساس مسئولیت به همدیگر نداشته باشند.

۲– کمیس معتقد است ویژگی حاکم بر سیاست امروز غرب منازعه ای است میان فردگرایی و بوروکراسی سامان یافته که در آن راه حل سوم جایگزین یعنی «مشارکت مدنی» و «تقویت حیات عمومی» به شدت نادیده انگاشته می شود. به اعتقاد کمیس سیاست امروز غرب مردم را از یکدیگر جدا ساخته و از آنها می خواهد که حل مشکلات خود را از طریق رویه ها و فرآیندهای بوروکراتیک تعریف شده دنبال نمایند. او نتیجه این وضعیت را از خودبیگانگی اجتماعی، نفی فردیت، بن بست و منافع محوری افراطی می داند که در آن مردم قادر به فهم مفهوم و خیر عمومی «مردم» یا «انسان» نیستند.کمیس با طرفداری از بینش توماس جفرسن معتقد به زنده ساختن دوباره مفهوم «حیات عمومی»، و کنش متقابل اجتماعی است. بااینحال، کمیس به دریافت خود از سیاست، مفهوم «فضا و مکان» را نیز اضافه می کند. به اعتقاد کمیس، سیاست همانقدر که مربوط به «مردم» است، مربوط به «فضا و مکان» نیز می باشد. به باور وی، مردم و مکان دو مولفه اصلی شکل دهنده به یک جمهوری هستند. مردم خود را به واسطه یک مکان، فضا یا منطقه، در پیوند با یکدیگر تعریف می کنند.کمیس در دریافت خود از سیاست، مفهوم «مکان» را به دو دلیل مهم و برجسته می داند:نخست آنکه مکان، آنچنان که جفرسن به شکل استعاری در دفاع خود از زندگی کشاورزی گفته است، بیانگر فرهنگ همکاری و تلاش و داشتن آرزوها و رنج های مشترک است. مکان آن میز نامرئی است که به زبان هانا آرنت ما را در کنار یکدیگر قرا می دهد. از سوی دیگر، مکان چنان که جین جاکوب نشان داده است بیانگر یک اکوسیستم مشترک است.این اتفاقی نیست که ریشه هر دو واژه اقتصاد((economics ، و اکولوژی((ecology به یک واژه مشترک یعنی oikos باز می گردد که به معنای خانه، همسایگی،یک جهان مشترک و حیات عمومی می باشد.کمیس پس از شرح این مطالب، پرسش کلیدی سیاست را آن می داند که آیا مردم خود نیز باید به تامل درباره راه حل مشکلاتشان بپردازند یا آنکه صرفا به حکومت و فرآیندهای بوروکراتیک آن به عنوان عامل حل مشکلاتشان چشم بدوزند.او در پاسخ به این پرسش معتقد است زندگی اجتماعی یک ثروت عمومی است که همه مردم باید در آن دخیل گردند و وظیفه خود را ایفا نمایند.

۳– امکان خلق فرد خلاق و مسئول، پرورش دادن جمع، مراقبت کردن از بخش های از هم جدا افتاده و بازآوردن آنها در کنار یکدیگر، رشد دادن افراد و حس حیات عمومی در آنها، آموختن روش حل مسائل به آنها، دعوت آنها به انجام تئاتر زندگی پیش از روبرو شدن با واقعیت زندگی و همه دیگر راهکارهای عملی کمیس، همه و همه، به مفهوم کشاورزی cult و در نهایت به مفهوم «فرهنگ»(culture) باز می گردد. همکاری، شهروندی، درگیر شدن با مشکلات مردم(people) و مکان زندگی (place) ،بیش از هر چیز، یک فرهنگ است. دستیابی به چنین شیوه ای از سیاست که در آن شهروند و شهروندی از اهمیت بنیادین برخوردارند، نیازمند گسترش فرآیند آموزش و آگاهی یابی در امتداد مرزهای ملی یک جامعه است. این گونه سیاست،آنگونه که جفرسن معتقد بود، گونه ای سیاست پوپولیستی است که در عین حال حل کننده مسائل و فرهنگ آفرین است: این گونه سیاست هم به معنای تغییر در هویت های فردی است و هم به معنای تغییر اجتماعی است.از نگاه جفرسن، آن نهاد اجتماعی که ما را پیش از ورود به دنیای واقعی این گونه سیاست مشارکت جویانه قادر به تمرین تئاترگونه آن می سازد، نهاد آموزش، آگاهی یابی و دست یافتن به اطلاعات مربوط به فرد و جامعه و دانشگاه است. «آموزش» و تبدیل شدن به «فرد آگاه دارای زندگی عقلانی، داستان یا روایت سیاست مدنی قبل از واقعیت آن است. این داستان نه تنها جای عمل واقعی سیاست مدنی را نمی گیرد بلکه تاثیر گذاری آن را عمیق تر می سازد.مساله ای که در کانون داستان های آموزشی دانش و عقلانیت و اطلاعات قرار دارد، گسستن ما از وضعیت قبلی مان است، گسستی که ما را با آینده آشنا می سازد.

۴– در منشور حقوق شهروندی دولتی یازدهم ذیل عنوان «مهم ترین حقوق شهروندی» از دو حق «دسترسی به اطلاعات» و «حریم خصوصی» به عنوان دو نمونه از مهم ترین حقوق شهروندی سخن گفته شده است. بی شک، چنان که کمیس می گوید به این دو عنوان می توان به مثابه دو پیش شرط تحقق «فردیت» و «سیاست مدنی» نگریست و آنها را به راستی ذیل مهم ترین حقوق شهروندی جای داد. داشتن حق دسترسی به اطلاعات مربوط به خود و بخش های متفاوت جامعه و مکان جامعه در کنار حفظ حریم فردی و لزوم احترام دولت ها به حریم خصوصی افراد، مردم یک جامعه را تبدیل به افرادی انسان دوست خواهد ساخت که قادر به تحقق «خیر عمومی» و گذر از منافع فردی خود هستند.در این حالت، مردمان یک جامعه به این نکته کلیدی ایمان خواهند آورد که «زندگی یک ثروت عمومی است» که هر فرد و نهاد در آن وظیفه عملی ساختن بخشی از آن را بر عهده دارد و قادر است از تمامیت آن بهره گیرد. سیاست مدنی تحقق این ایده توسط شهروندان است که سیاست ورزی یک پدیده پراکنده، منتشر، گسسته و تکین می باشد که در نهایت ما را به سوی خیر عمومی «جامعه باز» و «دولت دمکراتیک» هدایت خواهد کرد؛جامعه ای که به دلیل تبدیل شدن آن به یک «کریستال شفاف»، در آن همه چیز روشن و دارای ارزش انسانی است و دولت وظیفه ای جز دفاع از این شفافیت بر عهده ندارد.

تاملاتی بر بخش فرهنگی، رسانه ای،هنری منشور حقوق شهروندی

علی دارایی – دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق در دانشگاه تبریز



هر چند که تحرک قوه مجریه در تدوین پیش نویس منشور حقوق شهروندی اقدام نیک و قابل ستایشی در فرآیند دموکراتیزه کردن دولت به معنای اعم آن و همچنین جامعه است اما این منشور نکات قابل تامل و انتقادی در بعد حقوقی دارد که پیش از نهایی شدن آن نیازمند بازنگری اساسی است.منشور حقوق شهروندی به لحاظ اصول،محتوا و حتی جایگاه آن در صورت تصویب و اجرا جز قوانین بالا دستی و تا حدودی همتراز با قانون اساسی ایران است.سوای این واقعیت،متاسفانه منشور در بسیاری از بندهایش به ذکر مکررات قانونهای پیشین بسنده کرده و در همین تکرارها و حتی در اصول و قواعد بعضاً جدید،جدیت و شهامت بالقوه اجرایی در درونش مشاهده نمی شود.براین اساس به بررسی و نقد چند مورد از موارد بسیاری که در بندهای منشور در بخش هویت فرهنگی،بیان رسانه ای وآفرینش هنری قابل ایراد هستند،پرداخته می شود.

۱–نخستین نکته مهم عدم ارائه تعریف جامعی از لفظ هویت فرهنگی است.منشور بایستی به صراحت معنا و مفهوم و همچنین مصادیق هویت فرهنگی را به روشنی بیان و تشریح می نمود.در نگاه اول،هویت فرهنگی واژه مبهمی است!چه ملاکها و معیارها یا قاعده گذاریهایی برای تعیین هویت فرهنگی یک جامعه (که انبوهی از عقاید و فرهنگهای متفاوت در درون یک شهر –چه رسد به جامعه–وجود دارد) باید مد نظر قرار گیرد تا هویت فرهنگی جامعه مشخص شود؟با این وجود،با دقت در فحوای این بخش منشور بنظر می رسد منظور تدوین کنندگان منشور،حقوق اقوام و اقلیتهای مذهبی مورد ملاحظه بوده است. اما اگر تعریف دقیقی از هویت فرهنگی به همراه قید مصادیق آن ارائه می شد بی شک تکلیف حداقل اشخاصی که به هویت فرهنگی اهمیت زیادی قائلند،مشخص می شد.و حداکثر اینکه حقوقدانان،وکلا،قضات و نهادهایی که مسئولیت اجرایی این منشور را بر عهده خواهند گرفت، تسلط بر این داشتند که این بند از منشور چه محدوده ای از افراد انسانی و گروههای انسانی را تحت پوشش می دهد تا بدانند که در آینده با موانع و مواضعی روبرو خواهند بود یا خیر؟

۲–مطابق اصل دوازده و سیزده قانون اساسی ایران،تنها پیروان مذاهب اسلامی (که شامل شیعهاثنی‌عشری،حنفی،شافعی،مالکی،حنبلی و زیدی می شود) و ادیان زرتشتی،کلیمی و مسیحی به رسمیت شناخته شده اند و نامی از معتقدان دیگر ادیان و مذاهب مختلف به میان نیامده است.اما در منشور حقوق شهروندی در قالب قاعده ای کلان همه ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته شده اند و از کلیه حقوق بهره مندند.این قاعده میمنت بزرگی است که برای شهروندان در منشور مقرر شده است. مسئله مورد نظر،صرف نظر از تردیدها و موانع موجود پیش رو،قید برخورداری پیروان ادیان و مذاهب از حق بدیهی و ذاتی خود نیست!بلکه ساز و کار اجرا و چگونگی استقرار این حق بشری جهان شمول است. تطبیق این اصل با اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی آشکارا نشان دهنده این است که در راستای اجرای این بند لزوماً بایستی طبق پیش بینی قانون اساسی با تشریفات ویژه و گسترده ای،قانون اساسی مورد بازنگری قرار گیرد.بدین علت که بین این دو اصل مغایرتی ناقص به چشم می خورد.به تعبیر بهتر اصول مزبور قانون اساسی ادیان و مذاهب محدودی را شناسایی نموده است. در حالیکه منشور حقوق شهروندی کلیه ادیان و مذاهب را در خود جای داده است. بر این اساس در جهت استقرار این حق اولیه، می باید این ساز و کار در منشور به روشنی و بدون ابهام تصریح می شد تا این بند منشور قابلیت اجرایی بدون سد قانون اساسی داشته باشد.به علاوه قوانین عادی و آیین نامه ها و بخشنامه هایی هستند که حقوق معتقدان به دیگر مذاهب به طور کامل در آنها تضمین نشده است.ولی با اصلاح قانون اساسی در اینباره،تغییر قوانین عادی فوق میسر و سهل خواهد بود.چون از سد عظیمی عبور شده است. مقرر کردن شیوه اجرای یک امر قانونی در قانون مربوط به خود،تا حد زیادی ضامن اجرای همان قانون خواهد بود.

۲– پیش بینی بهره مندی اقوام متعدد از حقوق خود چیزی جز تکرار اصل پانزده و نوزده قانون اساسی(در این دو اصل پاره ای از حقوق اقوام ایران مانند زبان،برابری در برابر قوانین به رسمیت شناخته شده است)نیست.بر این اساس ضروری به نظر می رسید که مکانیسم مستقر شدن حقوق قومیتهای متعدد در ایران با صراحت مقرر می شد.علاوه بر بعد چگونگی اجرایی شدن این بند،لازم و ضروری است که مسئله عمیق دیگری نیز مورد ملاحظه نگارندگان منشور و خصوصاً مجموعه قوه مجریه قرار میگرفت.این مسئله همانا،آموزش محترم دانستن حقوق انسانی کلیه پیروان ادیان ومذاهب و همچنین اقوام به تمامی شهروندان است.سالهای درازی است که احترام شمردن حقوق دیگران بطور کلی توسط جمعیت گسترده ای از جامعه ما مراعات نمی گردد.این معضل بزرگ و گسترده ای است که بطور عمیق در بسیاری از سطوح و لایه های جامعه ریشه دوانده و موجبات شکافهای متعددی را میان ملت فراهم آورده است.عدم شناسایی و احترام به حقوق دیگران نوع دیگری از انواع نقض حقوق بشر است که خود در تامین حقوق اقوام و باورمندان به مذاهب انسدادی از پایین (که ممکن است منتج به وجود مانع اجرایی در نهادها شود) ایجاد می کند.بر همین مبنا مهم بود که شیوه آموزش احترام نهادن به حقوق اولیه دو گروه فوق،به همراه چگونگی فرآیند اجرایی شدن آن بوسیله کلیه سازمانها و ارگانهای دولتی و غیر دولتی که ماهیت آموزشی و فرهنگی دارند،در منشور حقوق شهروندی قید می گردید.بدین ترتیب، دولت بایستی حداقل اقدام به دو عمل مهم کند:نخست بایست به اصلاح و تکمیل منشور همت ورزد و دوم اینکه چنانچه این اصلاح محقق نشود،در عرصه عمل بایستی در راستای اجرای این بند آیین نامه ای که طبق همین منشور توسط مرکز ملی حقوق شهروندی تدوین و تصویب می شود،نهادهای دولتی و مدنی را ملزم نماید که به آموزش فرهنگ حقوق شهروندی به شهروندان با توسل به تمامی مقدورات و ابزارها مبادرت ورزند.

بخش هویت فرهنگی بیان رسانه ای و آفرینش هنری با مشکلات عدیده ای در مرحله عینی و اجرایی مواجه خواهد بود که رفع این مسائل و مشکلات نیازمند اصلاح حرفه ای و قدرتمند منشور توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری است

۳–در بندهای مربوط به حقوق هنری،آزادی آفرینش،تولید و عرضه انواع هنرها تا جایی که امکان پذیر بوده پیش بینی شده است.اما یکی از مشکل اصلی در مسیر اجرای این بندها آن است که کلیه نهادهای هنری تحت نظارت قوه مجریه نیستند و هر کدام از آنها قوانین خاص خود را دارند.این سازمانها معمولاً بطور موازی تاسیس شده اند و نظارت اصولی بر آنها اعمال نمی شود و همانطور که در گذشته بارها مشاهده شده،انسداد استواری را در راه آزادی محصولات هنری بوجود آورده اند که البته این مانع به میل و سلیقه آنان بستگی دارد.از این رو می بایست هماهنگی قانونی یکپارچه و گسترده ای در جهت اجرای منشور حقوق شهروندی با دیگر نهادهای هنری ترتیب داده شود که از طریق ایجاد موانع موازی حقوق هنری شهروندان نقض نگردد.به عبارت دیگر دست کم این نهادها باید قوانین داخلی و همچنین در شیوه عملکرد خود بازنگری کنند.این مهم،در منشور به علت عدم جسارت لازم و شهامت کافی در نگارش منشور،مقرر نشده است.بدین لحاظ،یکی از طرق ضمانت اجرای حقوق هنری عدم وجود هر گونه مانع موازی با سازمانهای پایه ای (وزارت فرهنگ و ارشاد) که ماهیت فرهنگی و هنری دارند،می باشد.

بر پایه تشریح و تحلیل های نوشته شده، بخش هویت فرهنگی بیان رسانه ای و آفرینش هنری با مشکلات عدیده ای در مرحله عینی و اجرایی مواجه خواهد بود که رفع این مسائل و مشکلات نیازمند اصلاح حرفه ای و قدرتمند منشور توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری است. در ضمن این معاونت الزاماً باید از کلیه متخصصان و اساتید متبحر و مجرب دانشگاههای کشور در اصلاح نسخه نهایی منشور حقوق شهروندی استفاده نماید و از آنان بهره ببرد.چونکه همانطور که مشهود است متاسفانه از دانش آنان در نگارش منشور استفاده ای نشده است.

اولویت مفهوم توسعه پایدار بر دیگر مفاهیم

تاملاتی انتقادی بر متن پیش نویس غیر رسمی منشور حقوق شهروندی

کریم حسین آبادی
کارشناس ارشد معماری و شهردار سابق شهر برازجان



ضمن تقدیر از دولت تدبیر و امید و تمامی دست اندرکارانی که در تعریف موضوع و تدوین منشور حقوق شهروندی نقش آفرین بوده اند، با عنایت به اینکه منشور پیشنهادی جهت نقد اقشار مختلف ارائه شده است، انتظار می رفت بمنظور دستیابی به نقدی منصفانه، حقوق منتقدین رعایت می شد لذا ارائه مواردی همچون تعاریف و اصطلاحات حقوق شهروندی، ضرورت و هدف تدوین چنین سندی، روش تدوین، مبانی نظری و نگرشهای حاکم در آن و تعریف نقش دولت در فرآیند تدوین، تصویب و اجرا ضروری بود. همچنین با فرض آنکه حقوق شهروندی در قوانین کشور از جمله قانون اساسی و حقوق مدنی نهفته است لذا تصور می شود که ابتدا دولت قصد احصاء این حقوق را داشته و سپس برنامه هایی در حوزه اختیارات خود جهت تسهیل در تحقق حقوق شهروندی ارائه نموده است. با این فرض، مطالب و عناوین ارائه شده در متن پیش نویس منشور حقوق شهروندی هر چند حاوی نکات قابل توجه و خردمندانه ای ست لیکن از دسته بندی و ساختار شفاف و مناسبی برخوردار نمی باشد ضمن آنکه سلسله مراتب ارائه حقوق شهروندی در آن رعایت نشده و به ارزش معنایی واژه های بکار رفته نیز توجه لازم صورت نگرفته است. همچنین عدم تفکیک مناسب حقوق شهروندی بیان شده در متن پیش نویس با وظایف و برنامه هایی که دولت بمنظور تحقق حقوق شهروندی برای خود مطرح نموده، فهم مطالب و فرآیند تدوین را سخت و بی نظم ساخته است. برای مثال عنوان محیط زیست و توسعه پایدار (۱) در یکی از سرفصل های منشور گنجانده شده است که در این خصوص یادآور می شود بیشتر متفکرین و اندیشمندان توسعه، در تعریف توسعه پایدار گفته اند توسعه ای مدنظر است که نیازهای زمان حال را برآورده ساخته بدون آنکه توانایی نسل های آینده را در برآورده سازی نیازهایشان به خطر اندازد و یا می گویند توسعه پایدار دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی در مسیری است که منابع طبیعی کشور را تهی نسازد. لذا با توجه به همه جانبه بودن مقوله توسعه پایدار، هم ارزش کردن آن با محیط زیست که یکی از الزامات توسعه پایدار می باشد منطقی به نظر نمی رسد. از طرفی، هم ارزش شدن توسعه پایدار به عنوان یکی از زیر شاخه های متن پیش نویس با مبارزه با مواد مخدر که در مقیاس خردتری قرار دارد از منطق کافی برخوردار نمی باشد. لذا با توجه به همه جانبه بودن آن، می بایست توسعه پایدار در اصل متن منشور حقوق شهروندی به عنوان یکی از حقوق، تعریف و سپس برنامه های مرتبط با آن جهت تحقق این حق در کلیه زیر شاخه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشخص شود.

بنابراین با توجه به ایرادات مفهومی و شکلی پیش نویس، لازم است در گام اول، دولت مبانی، اصول و مصادیق حقوق شهروندی را در قوانین کشور احصاء نموده و با افزودن پیشنهادهای مشخص خود (جدای از تکالیف و برنامه ها)، منشور پیشنهادی را تدوین و در صورت لزوم به تصویب مراجع ذیصلاح رساند و پس از تأیید آن، جهت تحقق حقوق شهروندی، برنامه ها و تکالیف خود را متناسب با وظایف و اختیارات دولت ارائه نماید.

(۱) شرح مفاد بخش "محیط زیست و توسعه پایدار" در منشور حقوق شهروندی به شرح ذیل می باسد:

۳-۱۲۰- دولت مکلف است حفاظت، حمایت، بهسازی و زیباسازی محیط زیست و ایجاد فرهنگ مناسب آن را در کلیه برنامه ها، تصمیمات و اقدامهای توسعهای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور مدنظر قرار داده و با هرگونه آلودگی و تخریب غیرقابل جبران محیط زیست از سوی کلیه اشخاص و سازمانهای عمومی و خصوصی مقابله نماید و از فعالیت بخش خصوصی و سازمانهای غیردولتی در این راستا حمایت به عمل آورد.

۳-۱۲۱- هر شهروند نسل حاضر و آینده حق بهرهمندی از محیط زیست سالم، پاک و عاری از آلودگی، از جمله حق دسترسی به هوا و آب سالم را دارد.

۳-۱۲۲- سیاست گذاری عمومی از جمله درخصوص ظرفیت سازی در حوزه محیط زیست و آموزش به شهروندان و مسئولان باید به گونه ای مورد ملاحظه قرار گیرد که توسعه پایدار ارتقاء یافته و میان سیاستهای اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و حفاظت و بهسازی محیط زیست هماهنگی وجود داشته باشد.

۳-۱۲۳- حق فعالیتهای مدنی در حوزه محیط زیست مورد شناسایی قرار می گیرد و هر شخص حقیقی یا حقوقی از جمله سازمانهای مردم نهادی که حقوق زیست محیطی آنها نادیده گرفته یا نقض گردیده، محق به مراجعه و دسترسی به دادگاه صالح وفق مقررات خواهند بود.

۳-۱۲۴- برخورداری از هوای پاک و سالم حق هر شهروندی ایرانی است.

۳-۱۲۵- شهروندان حق دارند از مناظر جنگل ها، دریاها، رودخانه ها، تالاب ها، اماکن تاریخی و مذهبی برخوردار باشند.

۳-۱۲۶- هرگونه ساخت و ساز و ایجاد مانع در حق برخورداری از منظر در حریم دریاها، اماکن تاریخی و مذهبی، رودخانه ها و انفال مجاز نمی باشد...

۳-۱۲۷- تمامی سیاستگذاری های مرتبط با توسعه، می بایست با در نظر گرفتن امکان مشارکت گسترده شهروندان در فرآیند توسعه و امکان بهره مندی همگان از آثار توسعه باشد.

۳-۱۲۸- هر شهروند حق توسعه همه جانبه مادی و معنوی را دارا می باشد....

۳-۱۲۹- این حق شهروندان است که دولت با احترام به ملاحظات بومی، قومی، مذهبی و فرهنگی، بهره مندی یکسان تمامی افراد اعم از زن و مرد را از مواهب توسعه، در یک نظام حقوقی عادلانه تضمین نماید.

۳-۱۳۰- دولت موظف است در راستای تحقق توسعه پایدار، سیاستهای تقنینی، اجرایی و قضایی لازم را برای توسعه همه جانبه مادی و معنوی کشور در کنار توجه به سایر حقوق شهروندان از جمله حق برابری، حق بر محیط زیست سالم و کرامت انسانی تدارک ببیند.

۳-۱۳۱- شهروندان حق دارند از توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امثال آن در جامعه خویش بهره مند شده و هیچ کس نمی تواند حق شهروندان ایرانی در پیشرفت و کسب حد اعلای توسعه را محدود نماید. ۳-۱۳۲- شهروندان حق دارند که از مزایا و منافع تکنولوژی صلح آمیز هسته ای در حوزه های فن آوریهای نوین، انرژی، بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، رفاهی، اقتصادی و تجاری بهره مند شوند.

نسیم جنوب ۷
هامون ۶۸
شماره ۷۲۵- یک شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

به یاد برادران شهید مواجی

زهرا رضایی طرهانی

سالی چند است هر پنجشنبه برای دیدار گلم (دخترم) به بهشت صادق می روم و بیشتر مواقع از آرامگاه شهیدان عبور می کنم. در اولین ردیف قطعه شهدا (قطعه۱ردیف ۱) نام دو برادر که در یک روز جان شان را در جبهه خونین آزادسازی خرمشهر به وطن تقدیم و به درجه رفیع شهادت رسیدند، دیدم.. شعرهایی که برروی سنگ آنها نوشته شده بود، توجه مرا جلب کرد.

روی سنگ قبر شهید افسر وظیفه محمدعلی مواجی نوشته بود: "وه! چه تاوان عظیمی می خواهد انسان بودن، هر زمان انسان بودن تا پای جان انسان بودن"

روی سنگ قبر شهید محمد حسن مواجی نوشته بود: "او عاشق امام بود" و این شعر "در مسلخ عشق جز نکو را نکشند/ روبه صفتان زشت خو را نکشند/ گرعاشق صادقی زمردن مهراس/ مردار شود هر آنکه اورا نکشند" تاریخ شهادت دو برادر در یک روز است یعنی"۱۳۶۱/۲/۱۰"

تمام این اوصاف مرا به جستجو در فضای مجازی برای شناسایی بیشتر ایشان کشاند و با جستجوی نام شهید محمد علی مواجی صفحه ای باز که کتابی را معرفی کرده بود. کتاب زندگی جانوران- نویسنده :ی.چاروشین - مترجم : افسر وظیفه شهید محمد علی مواجی. برای مقاطع سنی آمادگی (الف) و دبستان (ب). نشر پاپیروس سال ۱۳۶۸

با زحمت بسیار کتاب را بدست آوردم که برایم با ارزش و قابل توجه بود و سپاس از بزرگوارانی که حتی نامشان را هم نمی دانم که بعد از شهادت وی، این کتاب را چاپ کرده و نام او را ثبت جهانی کرده اند.

۱۳۳۴/۱۱/۱۲روز تولد شهید محمد علی مواجی است و در زاد روز تولد ایشان با چند سطر که شاید هم الکن باشد میلادش را گرامی و برایشان درود می فرستم که بعد از سالها نام اش همچنان زنده و پایدار است.

امید است که کلامی که بر سنگ او حک شده است را الگو قرار دهیم:" وه!چه تاوان عظیمی می خواهد انسان بودن/ هر زمان انسان بودن تا پای جان انسان بودن"

تقدیم به شهیدان
محمد علی مواجی- محمد حسن مواجی

سُرب ها
به فشرده می شوند
تا گلوله ای شود
که قرعه به نام جان توست
بر پیشانی ات می نشیند
وهزاران دست در تکاپو
تا سرب به مقصد نرسد
و تو بی خبر
مردم ات را فریاد می زدی
و خاک و خون ات را
قسم می دادی
که باور کنیم
انسان و انسانیت را

ناگفته های پرویز قوسی از نبرد بوشهری ها در جنگ با متجاوزین عراقی (۴)

حماسه دفاع از آبادان در کوی فرهنگیان

شب بود ودر هرگوشه از محوطه مقر سپاه آبادان چند نفری در خاموشی مطلق دور هم جمع بودیم. اطلاع حاصل شد که عراقی ها در کوی فرهنگیان ایستگاه ۱۲هستند و نزدیک است پل را تصرف کنند. بلافاصله تمامی بچه ها در یک چشم برهم زدن سوار چند ماشین تویوتا وانت رو باز شده و حرکت کردیم. بعد از پل ایستگاه ۱۲چون ادامه مسیر به وسیله خودرو خطر داشت، همه پیاده شده و بصورت ستونی پشت سرهم در شانه جاده و در امتداد آن به سمت کوی فرهنگیان که تازه تاسیس و هنوز بخش اعظم آن ساکن نداشت، به راه افتادیم. وارد محوطه و منازل که شدیم چیزی و تهدیدی را پیش روی خود ندیدیم، لذا به همان شکل اما با احتیاط کامل به دلیل دور نخوردن و در معاصره قرارنگرفتن، بسیار ساکت و آرام به حرکت ادامه دادیم. فکر میکردیم که جنگی مشابه جنگ های تن به تن خرمشهر را امشب در پیش رو خواهیم داشت. دقیقا در جلو من ابراهیم یگانه و پشت سر من مجید مرادزاده قرار گرفته بودند. آن شب من هم اسلحه ژ-۳ و هم آر.پی.جی حمل میکردم. چون واقعا در شلیک آر.پی. جی در بین بچه ها معرف شده بودم و کمتر شلیکم به خطا میرفت.

گروه ۳۵ نفری ما بصورت دشت بان همه منازل را پشت سر نهادیم اما باز هم از عراقی ها خبری نبود.

دیگر داشت یواش یواش صبح میشد که یک فروند هواپیماعراقی اول روشنائی ما را بمباران نمود، با این بمباران معلوم شد که عراقی ها از حضور ما اطلاع دارند.

صبح که همه جا کاملا روشن شد متوجه شدیم که عراقی ها در ۵۰۰ متری کوی فرهنگیان در زمینی صاف و بدون هیچ پستی و بلندی موضع گرفته و آماده دفاع می باشند. بلافاصله که متوجه ما شدند درگیری آغاز و چیزی نگذشت که شدت پیدا کرد. اشکال کار اینجا بود که عراقی ها در موضع و سنگر بودند و برای دفاع از خود خاک ریز ایجاد کرده بوند و ما می بایست در زمینی صاف و بدون هیچ جان پناهی به سمت آنان پیش می رفتیم. درگیری به اوج خود رسیده بود، قبضه های تیربارعراقی یک دم شلیک میکردند، من چند تا از سنگرهای تیربار را شناسائی کرده بودم و دنبال فرصت می گشتم که یک لحظه فقط یک لحظه فرصت پیدا کنم و بتوانم بنشینم ونشانه گیری کنم و با فاصله کمی که داشتم مطمئن بودم که هرکدام را هدف قرار میدادم به هوا رفته و متلاشی میشد، اما کو فرصت! خوب یادم میاد که آنقدر برای فرصت شلیک سینه خیز رفتم بودم که جلو پوتینم سایده شده بود.

همینطور که دراز کشیده بودم به ابراهیم یگانه (بچه بندر طاهری) که در این موقع سمت چپ و خیلی نزدیک من دراز کشیده بود گفتم یه مقدار از من دور شو میخواهم شلیک کنم، اگر دور نشوی آتش عقبه آر.پی.جی بهت آسیب می رساند ابراهیم که بسیارجوان شجاعی بود گفت نگران من نباش بزن.

من داشتم خودم را برای یک شلیک نامتعادل آماده میکردم که یک وقت دیدم مجید مرادزاده بدجور توی خودش می پیچد، نگاه کردم دیدم که تیر کالیبر پای راستش را هدف قرارداده است. درد می کشید و ناله میکرد.

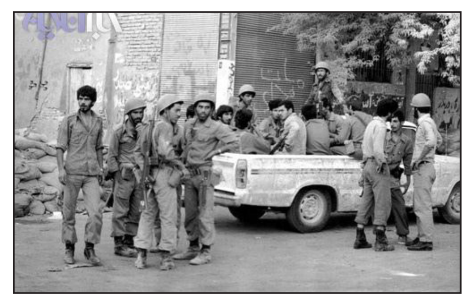
به هر وضعی بود خودم را با سینه خیر به مجید رساندم. در آن مکان و زمان هیچ کار مهمی در مورد اصابت گلوله نمی توانستم برایش انجام بدهم. خون ریزی شدید و ناله های پی درپی وی در من حس عجیبی ایجاد کرد. تصمیم گرفتم



در همین وضعیت از جا بلند شده و هدفم را که یک تیربار کارا و بسیار موثر دوشکا بود، مورد اصابت موشک آر.پی. جی قرار دهم. با توجه به تسلط عراقی ها به میدان نبرد از حیث دید و تیر، هر چند که می دانستم درصد موفقیت من کمتر از ۱۰درصد است و به احتمال زیاد مورد اصابت تیر کالیبر هم قرار خواهم گرفت، ولی تصمیم به از کار انداختن آن تیربار گرفتم.

مجددا هدف را که یک تیربار بسیار فعال بود خوب بررسی نمودم، خدمه تیربار را بیش از ۳ نفر دیدم. قبضه فوق نفس همه بچه ها را گرفته و اجازه نمیداد بچه ها سر بلند کنند.

همه چیز برای یک شلیک جانانه و فوق العاده موثر در صحنه نبرد آماده بود. یک «یا علی» از ته دل کشیدم و از جا بلند شدم و در حالت ایستاده در کوتاه ترین زمان ممکن بسوی هدف موشک را رها کرده و فوری خود را



روی زمین کنار مجید انداختم. خودم و بسیاری از دوستانم ورود موشک را به سنگر عراقی ها دیدیم. دقیقا موشک هر ۳ عراقی را به همراه قبضه دوشکا به هوا فرستاد و چنان این عمل موثر واقع شد که بچه های دور و برم با صدای بلند تکبیر گفتند. مجید درد را فراموش کرده بود و با ذوق و نگاه غریبی با چشمان پر از اشک به من آفرین گفت و من را چند بار بوسید.

در همان زمان که من بر اثر انهدام سنگر عراقی ها در وضعیت بالای آمادگی روحی و روانی بودم، متوجه خودرو جیپی شدم که مجهز به حامل سلاح ۱۰۶ بود و قصد جابجای از سنگری به سنگر دیگر را داشت. فوری موشک دوم را در قبضه جا زده و این بار نشسته در کنار مجید، جیپ را هدف قرار داده و موشک را رها کردم. فرود موشک را نه تنها من که خیلی ها از بچه های رزمنده در وسط خودرو دیدند. عقب جیپ بصورت عمودی بلند شد و بعد از یک معلق زدن بلافاصله منفجر و تا ارتفاع شاید ۱۰متری آتش به هوا پرتاب کرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید «ومارمیت اذرمیت و لکن الله رمی» الله الله چه صحنه بس زیبائی از هلاکت متجاوزین به ایران عزیز خلق شده بود. باور کنید که خودم کیف کرده و ذق عجیبی نمودم .

این اوضاع روحیه ای به بچه ها داد. ابراهیم یگانه با شجاعت از جا بلند شد و توانست خود را به سنگر عراقی ها که رزمندگان را زیر آتش گرفته بود، نزدیک کند و با نارنجک آن را منهدم سازد و رزمندگانی را که زیر آتش آن سنگر قرار داشتند، نجات دهد، اما ناگهان از بغل مورد اصابت گلوله عراقی ها قرارگرفت و همان جا در دم شهید شد. من داشتم نگاهش میکردم، هیچ تکانی نمی خورد، اما پاهایش عقب و جلو خاک را پس میزد تا اینکه تمام کرد و پاهایش هم از حرکت ایستاد. مجید مرادزاده هم مثل من شاهد جان دادن و شهید شدن ابراهیم یگانه بود و وقتی پاهایش بی حرکت شد و روح از کالبدش رها شد، مجید رو کرد به من و گفت به آسمان پر کشید امشب مهمان خداست. درگیری به آوج خود رسیده بود و ما هنوز زیر آفتاب سوزان زمین گیر بودیم و به لحاظ برتری عراقی ها به میدان نبرد حرکتی به جلو نداشتیم. تشنگی داشت مرا از پا در میآورد، بدجور تشنه بودم، از دیشب تا آن موقع که عصر بود یک قطره آب هم نخورده بودم، گرچه گرسنه هم بودم اما تحملش برایم راحتر از تشنگی بود. مجید هم که خیلی خون از او رفته بود عطش آب داشت و همه اش طلب آب از من میکرد و این در حالی بود که می دانست من خودم هم تشنه هستم و آبی ندارم.

یک دفعه متوجه شدم که از سمت چپ ما نیروی کمکی از بچه های جنگ های نامنظم شهید چمران وارد عمل شده و فوری درگیری را آغاز کردند. این عمل شایسته و به موقع باعث شد که پهنای میدان نبرد برای عراقی ها وسیع تر شده و تمرکز تیر مستقیم را بر روی ما به مانند قبل نداشته باشند. شرایط پیش آمده برای ما بسیار عالی بود، ضمن اینکه از سمت راست هم بچه های آبادان و خرمشهر که خبر درگیری را تا آن موقع شنیده بودند، به کمک ما آمدند و عرصه برعراقی ها تنگ و تنگتر شد.

به همین علت تمرکز تیر عراقی ها برما (مرکز درگیری) کمتر و کمتر شد. من به مجید گفتم که الان موقعش است که یواش یواش خودت را سینه خیز بکشی عقب، چون من هم تصمیم دارم تغییر مکان داده، خودم را جلو کشیده و عمل موثری را با توجه به شرایطی که پیش آمده داشته باشم. صورت مجید را بوسیدم و به او گفتم اگر برنگشتم بخاطر همه بدی هایم مرا حلال کن شاید همدیگر را نبینیم.

خدائیش گریه هم کردم اما مجید که همیشه سرشار از روحیه، ایثار و مردانگی بود مرا توصیه به شکیبائی نمود و به سرم دست کشید و گفت یاعلی بگو و برو و نگران من نباش.

با یک خیز خودم را به جنازه ابراهیم یگانه رساندم و پیشش دراز کشیدم. دقیقا می دانستم در موقعیت و موضع بسیار خطرناکی هستم و هر آن امکان دارد مثل ابراهیم از بغل مورد اصابت کالیبر قرار بگیرم، به همین دلیل صلاح ندانستم خود را در وضعیت تهاجم قرار دهم. آنقدر نزدیک ابراهیم بودم که نفسم به صورتش می خورد. همین دیشب بود که من و او و مجید در حیاط سپاه آبادان کنار هم بر سر یک سفره کوچک مشترکا نان و کنسرو بادمجان خوردیم و هیچ کدام هم سیر نشدیم. حالا ابراهیم شهید کنارم افتاده، مجید هم کالیبرخورده و در میدان نبرد بلاتکلیف رها شده و من هم معلوم نبود تا چند دقیقه دیگر زنده باشم یا نباشم .

خدایا عجیب اوضاعی بود. جنازه ابراهیم را بوسیدم و به او گفتم شاید منم امشب باهات باشم. خدا میداند. ادامه دارد...

تجلیل از خانواده شهدا و تقدیر از جوانمرد ورزشی بوشهر



اهالی تیم رسانه ورزش بوشهر در ادامه فعالیت‌های فرهنگی خود در مراسمی علاوه بر رونمایی از پیراهن جدید تیم خود از خانواده شهیدان نسترن و شمسا و همچنین یک هوادار تیم ایرانجوان به عنوان جوانمرد ورزشی تجلیل کردند.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، زمین چمن اداره کل بنادر و دریانوری بوشهر بازهم شاهد حرکت فرهنگی و قشنگ رسانه ورزشی‌ها بود و این بار از خانم ابراهیم‌زاده مادر شهید امید نسترن، ملی‌پوش سابق تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران و خانواده شهید شمسا و عباس حاجی‌زاده هوادار ایرانجوان بوشهر به عنوان جوانمرد ورزشی تقدیر شد.

عباس حاجی‌زاده در سفر اخیر ایرانجوان به تهران و رویارویی با تیم پارسه که به دلیل پرداخت نشدن هزینه هتل، به بازیکنان این تیم اجازه خروج داده نشد، موتور خود را در بوشهر فروخت تا ایرانجوانی‌ها از هتل خارج شوند.

رونمایی از پیراهن جدید رسانه ورزش با اسپانسری شرکت «کشتیرانی جنوب خط ایران» و با حضور کاپیتان ذوالفقاری مدیر ترمینال مجتمع بندری پارس که از این پس حامی این تیم خیر خواهانه خواهد بود، برگزار شد.

رسانه ورزش همچنین از خانم طاهره غمخوار، خبرنگار و طنزنویس ورزشی و عباس حاجی‌زاده، مدیر پشتیبانی تیم ایرانجوان بوشهر به عنوان جوانمرد ورزشی تقدیر کرد.

در این مراسم از کاپیتان ذوالفقاری هم از طرف سرپرست رسانه ورزش حسن غریبی، برای توجه و حمایت از ورزش و همچنین سهیم شدن در اقدامات خیرخواهانه این تیم تقدیر شد.

در این مراسم محمد علی درویشی، محمد محبوبی و عباس خوش سیما بودند و سید محمد سید زاده رئیس حوزه هنری بوشهر نیز به عنوان میهمانان ویژه حضور داشتند.

جوان قدیم محله شغاب بوشهر

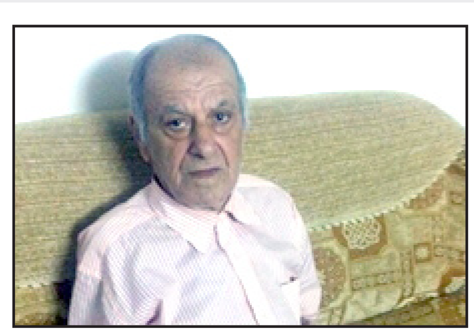
«عبدالرضا افشار» نخستین ایرانی که در خارج از کشور فوتبال بازی کرد

خودش می‌گوید وقتی برای کار به کویت رفت، در تمرینات السالمیه کویت شرکت کرد و پس از رضایت مسئولان السالمیه، نخستین ایرانی شد که در خارج کشور در یک تیم خارجی بازی کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، یکی از قدیمی‌ترین شاهینی‌های بوشهر از فوتبال سال‌های دور سخن گفت، عبدالرضا افشار ساکن شعاب صحبت‌های خود را این گونه آغاز کرد: ابتدا باید تشکر کنم از حضور شما که من را فراموش نکردید، من متولد محله شغاب در سال ۱۳۱۲ هستم، این محله قدیمی را از آن جهت شعاب می‌نامند که مخفف شاخه آب بوده، ۳ چاه آب در چشمه‌های این محله قدیمی وجود داشت که هم اکنون زیر آسفالت قرار گرفته‌اند!

وی که فوتبال خود را در سنین نونهالی و در تیم اعتمادیه همان کارخانه قدیمی بوشهر آغاز کرده نگاه آن زمان را به فوتبال اینگونه بیان کرد: دوره ما بچه‌ها خرج تیم را می‌دادند. من دفاع چپ بازی می‌کردم که مربی ما مرحوم هنرمند بود، آنقدر تلاش کردم تا بالاخره به عنوان یار اصلی تیم اعتمادیه انتخاب شدم.

افشار در ادامه افزود: بعد از سال‌ها فوتبال برای کار راهی کویت شدم، به دوستانم آنجا گفتم من فوتبال بازی می‌کنم اما الان چند ماه است که بازی نکرده‌ام و اگر اینگونه باشد بدنم خشک می‌شود، یک روز در تمرین السالمیه حضور پیدا کردم، مربی آنها فردی به نام علی عبدالله یک دست لباس ورزشی به من داد تا در تمرین شرکت کنم، آنقدر خوب کار کردم تا اینکه در



تست قبول شدم، آن موقع قراردادی نبود و حرف که زده می‌شد خودش یک قرارداد بود. بعد از بازی در السالمیه مسئولان تیم الشباب کویت که تیم بهتری هم بود به من پیشنهاد بازی دادند که مدتی هم برای آنها بازی کردم.

بازگشت به ایران و حضور در شاهین بوشهر

عبدالرضا افشار سال ۳۹ به ایران برمی‌گردد و در شهرداری مشغول به کار می‌شود، وی در این باره بیان کرد: بعد از بازگشت به ایران تا سرپرستی شهرداری بوشهر پیش رفتم، در آن زمان مرحوم عبدالمحمد زنگویی و آقای پوربهی نزد من آمدند، من ناز نکردم، تیم خلیج را دوست داشتم و اینگونه وارد باشگاه شاهین شدم که بیش از ۵ دهه است که به عنوان هیئت موسسین باشگاه شاهین حضور دارم.

جوان دیروز و پیرمرد ۸۰ ساله امروز می‌گوید: در زمان حضور شاهین در لیگ برتر هیچ‌گاه جرأت نگاه کردن بازی‌های تیم را از تلویزیون نداشتم، اگر هم می‌بینید تا حالا دوام آورده‌ام دلیلش همین است، استرس و ضربان قلب در زمان نگاه کردن بازی هر لحظه من را به خطر نزدیک می‌کند.

قدیمی‌های این فوتبال گنجینه خاطرات هستند هرکدام از آنها می‌توانند فوتبال خاک خورده قدیم را ورق بزنند. بدون شک کمتر کسی می‌دانست که آقای افشار نخستین فوتبالیست ایرانی است که در خارج از کشور بازی کرد، مردی که با لباس شاهین یا همان خلیج سابق به میدان نرفته اما بیش از پنج دهه است که شاهین را با قلب و زندگی خود عجین کرده است.





سال ۱۳۴۶ : تیم محله کوتی بندر بوشهر
ایستاده از راست :محسن کشاورز ؛ محمود نعمتی ؛ هاشم روانا ؛ عزیز ال یاسین ؛ جعفر چاهی فروش ؛ رضا وردیانی؛ مختار بشکوه ؛ مهدی آل یاسین ؛ رحیم آل یاسین
نشسته : محمود موجی ؛ محمد جواد نبوی ؛ رضا اخلاقی ؛ مسعود اقدام ؛ محمود مشفقیان و نادر اقدام.

به یاد پای پانصد تومانی!

دکتر مجید هاشمی تنگستانی
دانشیار بخش علوم زمین دانشگاه شیراز

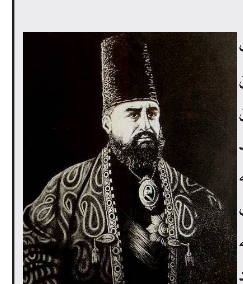
مسابقه مهمی بین تیم های فوتبال شاهین و ایرانجوان در جریان بود. نتیجه مساوی و بازی رو به پایان بود که حمله ای به سوی دروازه ایرانجوان شد. خط حمله شاهین موفق شد توپ را به سوی دروازه خالی مانده ایرانجوان بفرستد؛ توپ غلطان غلطان میرفت که وارد دروازه شود؛ تماشاچی های شاهین از جاکنده شده و هورا کشیدند؛ اما درست روی خط و پیش از آن که توپ وارد دروازه شود، محسن هاشمی، دفاع ایرانجوان، خود را به آن رساند و با این که بازیکن راست پایی بود، با پای چپ توپ را به بیرون فرستاد؛ این بار، طرفداران ایرانجوان به هوا پریده، هورا کشیدند و خوشحالی کردند و داور نیز سوت پایان بازی را به صدا در آورد. در راهِ رختکن یکی از طرفداران ایرانجوان خود را به هاشمی رساند، او را در بغل گرفت و بوسید و یک اسکناس ۵۰۰ تومانی به وی هدیه داد.

سالها بعد، حدود ساعت ۷ شب ۱۸ آبان ماه ۱۳۹۲، به دلیل نبود شرایط ایمنی مناسب در محیط کار، یکی از جرثقیل های مخصوص جابه جایی کانتینر موجود در محوطه گمرک بوشهر با محسن هاشمی که در حال بارشماری بود (وی سالها بود که به شغل بارشماری مشغول بود) برخورد کرده و آسیب وارده به پای چپ وی آنچنان شدید بود که پزشکان بیمارستان خلیج فارس بوشهر اعلام کردند کاری از دست آنها بر نمی آید و در نتیجه او را به شیراز منتقل کردند. پس از دو عمل جراحی و بیش از سه هفته بستری بودن در بیمارستان دکتر میر شیراز، معالجات نتیجه نداده و سرانجام در روز سه شنبه ۱۲ آذرماه به تشخیص پزشک معالج، متاسفانه همان پای معجزه گر از ناحیه زیر زانو قطع شد.

مطمئنا این اولین بار نیست که به دلیل ضعف در شرایط ایمنی، افراد مشغول به کار در محوطه بندری و گمرک بوشهر دچار نقص عضو شده یا جان خود را از دست میدهند و در صورت تداوم بی توجهی مسئولین مربوطه، این گونه حوادث در آینده نیز تکرار خواهند شد. اینک این سوال مطرح است که "چه کسی مسئولیت این حادثه ناگوار و غم انگیز را به عهده خواهد گرفت؟"

یادکردی از امیر کبیر

ابراهیم گرمساری - کارشناس ادبیات فارسی



دی ماه سالگرد شهادت بزرگ مرد تاریخ درخشان ایران "میرزا تقی خان امیرکبیر" یادآور افکار بلند و اندیشه ی مترقی و برنامه های انسان دوستانه این دولت مرد دلسوز و شایسته بود که جا دارد با نیکی و افتخار یاد و خاطرش را گرامی بداریم.

آری چه خوب سروده است شاعر بلند پایه ایران سعدی شیرازی که او نیز هنوز زنده است

نام نیکو گر بماند ز آدمی   به کزو ماند سرای زرنگار

امیر بزرگ ایران که بر کرسی صدارت نشست اما هیچ گاه مسند نشین نشد و مردم را فراموش نکرد. واکسیناسیون رایگان عمومی را در دوران صدارت خود قانونی و اجباری اعلام کرد و خدمت رسانی به مردم به ویژه کودکان را وظیفه دولت و اولویت کار خویش قرار داد و در این زمینه با اعتقاد راسخ خطاب به میرزا آقا خان نوری می گفت: " تا زمانی که ما سرپرستی این ملت را بر عهده داریم مسوول مرگشان ما هستیم" و میرزا آقا خان در جواب امیر به آهستگی گفت:"ولی اینان در اثر جهلشان آبله نکوبیده اند" و امیر با صدای رسا گفت: " مسوول جهلشان نیز ما هستیم.اگر ما در روستا و کوچه ها و هر خیابانی مدرسه بسازیم و کتابخانه ایجاد کنیم دعانویس ها و فالگیرها که در شهر شایعه کرده بودند که واکسن زدن باعث راه افتادن جن به خون انسان می شود." بساطشان را جمع می کنند. تمام ایرانی ها اولاد حقیقی من هستند و نباید بر اثر نکوبیدن آبله بمیرند."

او می گفت : "اگر نیت یک ساله دارید گندم بکارید. اگر نیت ده ساله دارید درخت بکارید و اگر نیت صد ساله دارید، انسان تربیت کنید"

آری ، امیرکبیر بنا به قراین و شواهد فراوان عاشق مردم بود و هستی خود را در دفاع از حقوق مردم در برابر حاکمیت ظالم هزینه کرد.بنابراین می توان پنداشت که:امیرکبیر هرگز نمرده است.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شده به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما روحش شاد.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



گنجینه بی مثال دنیا در بوشهر ، هدر نرود

معارفه مهندس محمد ابراهیم فروزانی به عنوان مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر



عکاس:سیدخلف هاشمی
www.ostb.ir

حجت: اصالت در استان بوشهر به روشنی دیده می شود

قائم مقام سازمان و معاون میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور گفت: بافت قدیم بندر بوشهر گنجینه ای نادر و گرانقدر است که مشابه آن در دنیا وجود ندارد و نباید به این صورت هدر برود.

به گزارش ایرنا، مهدی حجت درآیین تودیع و معارفه مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر افزود: ارزش مجموعه بافت قدیم بوشهر به قدری عظیم است و با همه کشور برابری می کند.

وی اضافه کرد: بافت های قدیم گنجینه هایی از مجموعه زندگی متعارف سالیان گذشته است که گردشگران دنیا به دنبال دیدن و شناخت آنها هستند.

حجت اظهار کرد: همه جهانگردان به دنبال دیدن چیزهای اصیل، تازه و جذاب در خوراک، مکان، روابط اجتماعی، آیین ها و موسیقی هستند.

وی یادآورشد: همه عالم در دوره مدرن از بزک کردن، بی فرهنگی و یک شکلی فرهنگی خسته شده اند و به دنبال اصالت هستند چیزی که در استان بوشهر به روشنی دیده می شود.

قائم مقام سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور اضافه کرد: در کشور ما آثار زیادی در بخش میراث مادی و معنوی باقی مانده و عمده ترین آنها در بافت های تاریخی است که بیانگر شکل تاریخی زندگی مردم است.

حجت یادآور شد: احیای این ارزش ها زمینه ساز سرمایه گذاری های مادی و سبب اشاعه فرهنگ و ارتقای سطح و سبک زندگی مردم نیز می شود.

وی گفت: خانه های بافت قدیم، صنایع دستی، شعر، موسیقی، آیین عزاداری، بناها، محوطه های تاریخی و طبیعت استان بوشهر برای همه، مجموعه ای شگفتی آفرین است که باید به آنها پرداخته و نباید آنها را براحتی عوض کرد یا از دست داد.

حجت با اشاره به فضای سیاسی حاکم بر کشور افزود: هم اکنون گردشگران زیادی از کشورهای مختلف تمایل سفر به کشورمان را دارند و براساس بررسی ها تا پایان خرداد سال آینده همه هتل های شهرهای بزرگ رزرو شده است.

وی گفت: سرمایه گذاران زیرساختهای فرهنگی و گردشگری باید از این اقبال بین المللی و اختلاف ارز و ریال و شرایط استثنایی موجود برای جذب گردشگران استفاده بهینه کنند.

حجت اضافه کرد: ایران باید در سال ۲۰۱۴ به عنوان قطب اول گردشگری در جهان معرفی شود و این حق ملت ایران است که پیش از این ضایع شده بود.

مشایخ: بنای تاریخی که پس از مرمت زباله دان معتادان شد

مدیر بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر گفت: ساختمان تاریخی کلیسای گریگوری شهر بوشهر که برای مرمت آن مبلغ بالایی هزینه شد، به زباله دان معتادان تزریقی تبدیل شده است.



عکاس:سیدخلف هاشمی
www.ostb.ir

به گزارش ایرنا، عبدالکریم مشایخی در آیین تودیع و معارفه مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر افزود: اگرچه هنوز در این بنا بسته است اما در یکی از باغچه های آن بیش از دو تا سه هزار سرنگ تزریق معتادان کشف کردیم.

وی اضافه کرد: ساختمان این کلیسا برای تبدیل به موزه سنگ این استان بوشهر مناسب است.

مشایخی در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: با توجه به تفاوت و قابلیت های موجود در بافت قدیم بوشهر نسبت به دیگر بافت های شهرهای کشور، مسوولان این بافت تاریخی را دریابند.

وی ادامه داد: در بافت قدیم بوشهر ساختمان های ۱۰ کنسولگری کشورهای خارجی، چهار کلیسا، دو کنیسه در داخل و خارج از بافت وجود دارد که به فراموشی سپرده شده و به محلی امن برای معتادان تبدیل شده است.

مشایخی اظهارکرد: مدیرکل جدید میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر و همه مسوولان و دلسوزان این استان آثار، تاریخ تمدن، بافت قدیم، سیراف، مسجد جامع عطار و سایر مکان های تاریخی استان را دریابند.

وی افزود: بوشهر، استان گفت وگوی تمدن هاست و باید از این ظرفیت استفاده بهینه کرد.

سرپرست سابق اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر نیز گفت: میراث فرهنگی به عنوان هویت و شناسنامه هر منطقه و کشور محسوب می شود و همه مردم باید از این هویت و شناسنامه به بهترین وجه نگهداری و پاسداری کنند.

نصرالله ابراهیمی با اشاره به این که استان بوشهر دارای پیشینه تاریخی درخشان است افزود: قدمت تاریخی استان بوشهر به دوران پارینه سنگی بین ۲۰ تا ۴۰ هزار سال پیش برمی گردد که وجود آثاری در گناوه، دشتستان و کنگان موید این موضوع است.

وی اضافه کرد: استان بوشهر در پیشینه تاریخی به عنوان قطب اقتصادی کشور بوده است و قابلیت ها و توانمندی های این استان در این بخش با همکاری و هدایت سرمایه گذاران می تواند تقویت شود و به جایگاه اصلی خود برگردد.

ابراهیمی اضافه کرد: استان بوشهر در بخش توریسم سواحل و دریا به عنوان قطب ارزشمند کشور است که به آن توجه نشده و امیدوارم در دولت تدبیر و امید مورد توجه قرار گیرد.

رستمی: نگاه استاندار بوشهربه میراث فرهنگی ویژه است

معاون امور استاندار بوشهر گفت: استان بوشهردارای قابلیت‌های مهمی در بخش میراث فرهنگی، گردشگری و تاریخی دارد و استانداربوشهر نگاه ویژه‌ای به این بخش دارد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، شاپوررستمی در مراسم تودیع و معارفه مدیرکل میراث فرهنگی ، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر با تبریک ایام‌الله فجر به قابلیت‌های تاریخی و گردشگری استان بوشهر اشاره کرد و گفت: استان بوشهردر بخش میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی دارای جایگاه مهمی است و نگاه استاندار بوشهر به این جایگاه ویژه است.



عکاس:سیدخلف هاشمی
www.ostb.ir

وی با اشاره به این که چشم‌انداز استاندار بوشهر به بخش میراث و گردشگری توسعه‌ای است گفت: استان بوشهر با داشتن این قابلیت‌ها به جایگاه اصلی خود نرسیده است که حمایت صاحب‌نظران،روشنفکران، علما و اندیشمندان در این عرصه ضروری است.

معاون استاندار بوشهر گفت: برای رسیدن به این مهم استفاده از امکانات و قابلیت‌های دستگاههای مختلف اجرایی به ویژه شهرداران امری ضروری است که باید در این راستا حمایت‌های لازم را از میراث فرهنگی داشته باشند.

رستمی افزود باید تمامی عقب ماندگی‌های بخش میراث فرهنگی استان بوشهر با تعامل همه مدیران و صاحب نظران جبران شود.

وی استفاده از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را مهم دانست وگفت: استان بوشهر با داشتن قابلیت‌های مهم این بخش باید در جهت جذب سرمایه گذاران تلاش کند.

فروزانی: در این شرایط باید با نگاه دیگری با این سرمایه ها برخورد کرد

مدیرکل جدید میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر نیز گفت: استان بوشهر با دارا بودن شهرهای بندری، تنوع طبیعی، دریاها، زیردریاها، کوه ها، دشت ها و منظومه تمدنی خاص ظرفیت و سرمایه گرانقدر و جلوه ای از بخش هایی از کرانه ایران است.

محمد ابراهیم فروزانی افزود: با توجه به تحولات بزرگ استان بوشهر درعرصه های مادی و مدرن گاهی از تاریخ، و جغرافیای این استان که سرمایه جهانی است، غفلت می شود.

وی اظهارکرد: در دوره ای هستیم که گفتار قالب توسعه پایدار و اقتصاد خلاق است و در این شرایط باید با نگاه دیگری با این سرمایه ها برخورد کرد.

فروزانی گفت: در این شرایط که دیگران به جعل هویت تاریخی اقدام می کنند ما با حمایت دلسوزان و مدیران ارشد، بخش های خصوصی، عمومی، دولتی و تشکل های مردم نهاد می توانیم از این سرمایه ها استفاده بهینه کنیم.

وی تعامل با همه، توجه به خلاقیت و نوآوری و استفاده از مشارکت مردم را از سیاست های مدیریتی خود برای احیای میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر عنوان کرد.

در این آیین محمد ابراهیم فروزانی به عنوان مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر معرفی و از خدمات نصرالله ابراهیمی تقدیر شد.

ضرورت شکستن دایره بسته مدیران سنتی

یونس قیصی زاده: پرورش نیروهای بومی و سپردن امور اجرایی به دست با کفایت آنها، از جمله مطالبات عمومی مردم بوشهر بوده و هست. متاسفانه در این میان لابی های پرنفوذ، وابستگی های جناحی و سیاسی، باندبازی های قومی و محلی و... در بسیاری از موارد باعث شد تا امور اجرائی دستگاههای مهم و حساس به دست کسانی سپرده شود که نه تنها صلاحیت احراز این پست ها را نداشتند که حتی فاقد توان اداره کارهای روزمره آن ادارات نیز بودند و نتیجه چنین مدیریت های اتوبوسی و سفارشی، چیزی جز هدر رفتن فرصت ها و وارد آمدن ضربات سنگین بر بدنه نحیف بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی در استان کمتر توسعه یافته بوشهر، نبوده است.

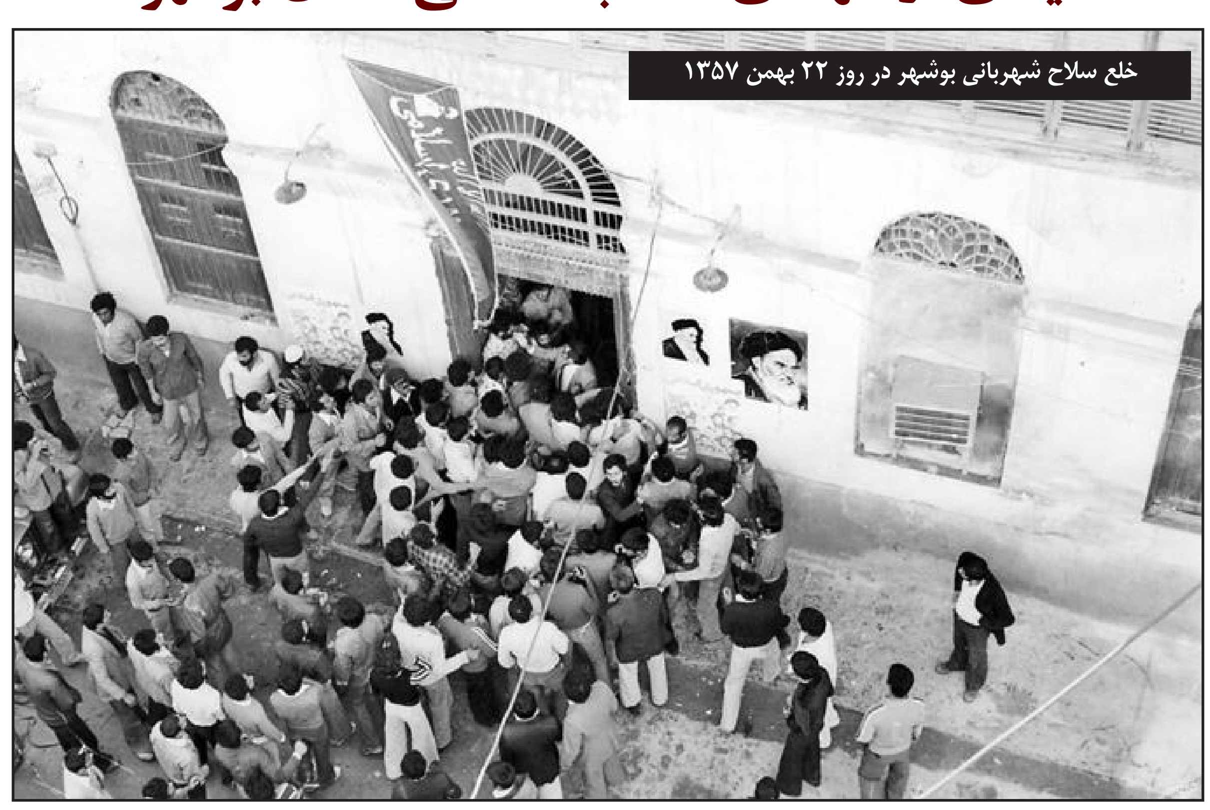
اکنون و در فرصت پیش آمده بعد از روی کار آمدن دولتی که رئیس جمهورش قانونگرائی و شایسته سالاری را مبنای کارش اعلام نموده است، در استان بوشهر نیز شاهد بروز نشانه هائی از بکار گماردن نیروهای بومی لایق، متخصص، پاک دست و انگیزه دار در برخی از انتصابات جدید هستیم که امیدواریم همچنان ادامه یابد.

خوشبختانه بر اثر رشد مراکز آموزش عالی در استان بوشهر، شاهد پرورش نیروهایی جوان و تحصیل کرده در استان بوشهر هستیم که با انگیزه بالا، پتانسیل تبدیل شدن به مدیرانی موفق و آینده دار را دارند و در صورت بدست گرفتن پست های مدیریتی در سنین جوانی، به دلیل داشتن استعداد و تخصص لازم، می توانند در آینده به عنوان نیروهائی موفق و مورد اعتماد بومی بوشهر در سطوح عالی کشور نیز ایفای نقش نمایند.

شکستن دایره بسته مدیران سنتی و استفاده از مدیرانی جوان و تحصیل کرده، می تواند همانند خون تازه ای در رگ های توسعه استان بوشهر باشد که جرات، جسارت و استفاده از دانش روز و تئوریهای نوین را وارد این فرآیند می نماید.

یادی از شهدای انقلاب اسلامی استان بوشهر





خلع سلاح شهربانی بوشهر در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷



راهپیمایی مردم بوشهر در روزهای انقلاب

استان بوشهر در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ۱۱ شهید گرانقدر را تقدیم کرده است. به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی استان بوشهر علاوه بر اعلام برنامه‌های ویژه دهه فجر، ۱۱ شهید استان در جریان پیروزی انقلاب اسلامی را نیز معرفی کرده است.

استان بوشهر در پیروزی انقلاب ۱۱ شهید را تقدیم کرده که چهار شهید در شهر بوشهر، چهار شهید در شهرستان دشتستان، دو شهید در دیر و یک شهید هم در تنگستان بوده‌اند.

بر اساس این گزارش، در شهر بوشهر حجت‌الاسلام حاج شیخ ابوتراب عاشوری در تاریخ ۱۳ آذرماه سال ۵۷ توسط نیروهای رژیم پهلوی به شهادت رسید.

شهید عبدالرسول زاهدی نیز در تاریخ هشتم دیماه ۵۷ در بوشهر به شهادت رسید ضمن اینکه شهید صادق میگلی نیز که در تاریخ ۱۷ آبانماه سال ۵۷ به شهادت رسید از دیگر شهدای انقلاب در بوشهر است.

همچنین شهید محمدصادق درختیان در تاریخ ۲۹ مهرماه سال ۵۷ توسط نیروهای رژیم طاغوت به شهادت رسید.

شهید احمد حیدری در تاریخ ۱۳ آذرماه سال ۵۷ و شهیده سمنبر عالی‌پور نیز در همین تاریخ از شهرستان دیر به شهادت رسیدند.

در شهرستان دشتستان شهید سلیمان شریفی در تاریخ ۱۷ مهرماه ۵۷ در برازجان، شهید عباس مشایخ در تاریخ ۱۲ دیماه ۵۷ در سعدآباد، شهید محمدباقر موسوی در تاریخ ۱۲ دیماه ۵۷ در سعدآباد و شهید ناصر دانشگر در تاریخ ۱۲ دیماه در شهر سعدآباد به شهادت رسیدند. تنها شهید انقلاب شهرستان تنگستان نیز شهید ماندنی اکبرپا است که در تاریخ ۹ بهمن ماه در روستای چاه تلخ تنگستان به شهادت رسید.